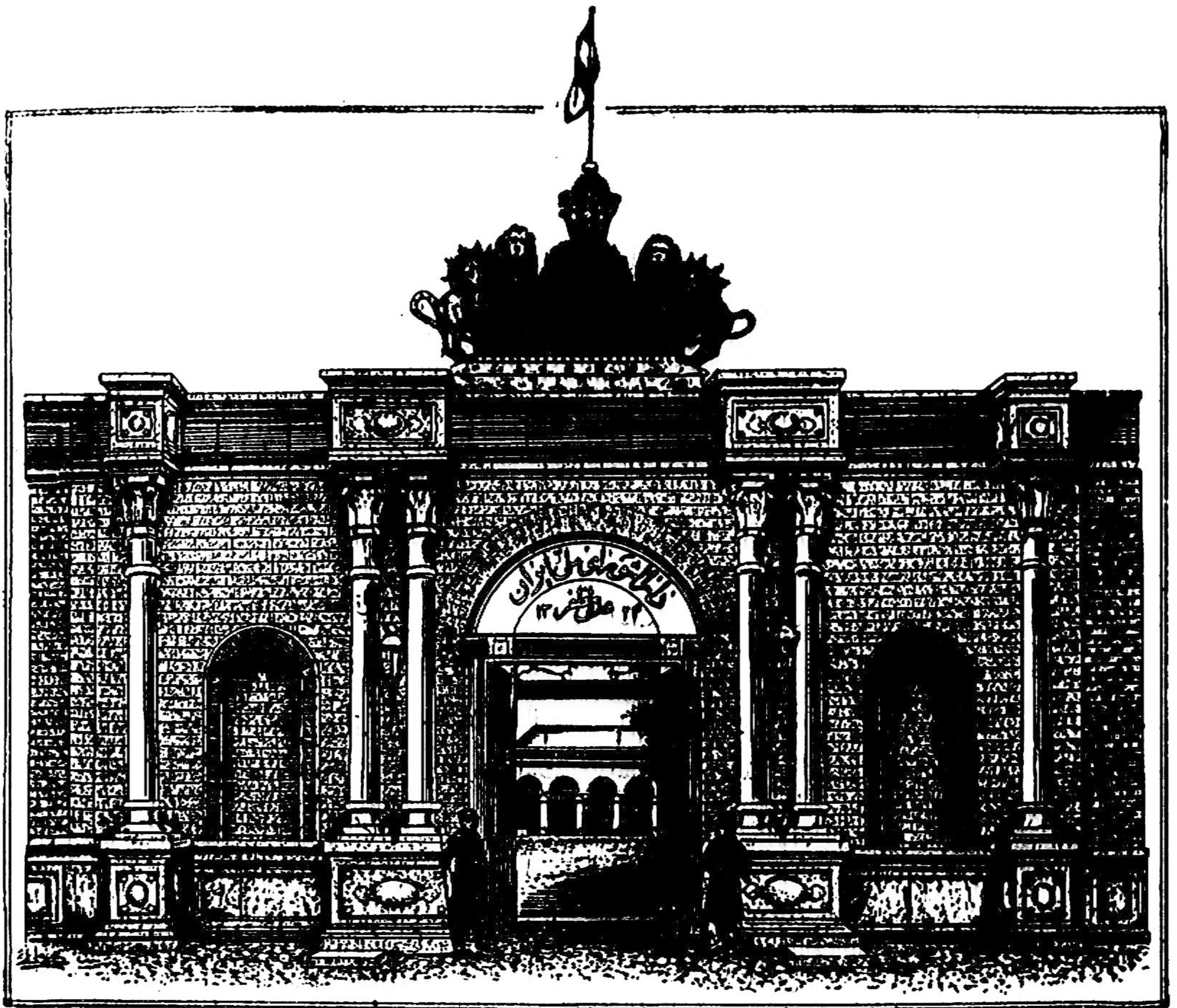


دوره ششم تفصیله

<p>جلسه ۲۱۱</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۷۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۲ شعبان المعظم ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان مرئضی قلیخان بیات - بنی سلیمان - محمود رضا	۳۶۲۲	۳۶۲۳
۲	مذاکره نسبت بنجر کمیسیون بودجه راجع با استخدام متخصصین مالی از آلمان و سویس و تصویب آن	۳۶۲۴	۳۶۴۳
۳	مذاکره نسبت بنجر کمیسیون بودجه راجع با اجازه پرداخت اضافات سنه ۱۳۰۵	۳۶۴۳	۳۶۴۷
۴	قانون اجازه استخدام چهار نفر متخصصین مالی از سویس و آلمان	۳۶۴۸	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ شعبان المعظم ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۱

<p>غائبین با اجازه جلسه قبل آقایان: دشتی - عصر انقلاب - نابت - بجی خان زنکنه - غائبین بی اجازه جلسه قبل</p>	<p>(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید) (و صورت مجلس سه شنبه بیست و چهارم بهمنماه را آقای نگهبان قرائت نمودند)</p>
---	--

آقایان: اسدی - اعظمی - حقیویس - نظام مافی
مقدم - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک - جوانشیر
میرزا ابراهیم آشتیانی - میرزا حسن خان وثوق - محمود
رضا - حاج غلامحسین ملک

در آمدگان با اجازه جلسه قبل
آقایان: دکتر سنک - جشیدی مازندران - شریعت
زاده - نجومی - بهار - عدل - سلطان محمد خان عامری
زعیم -

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل
آقایان: مرتضی قلیخان بیات - پالیزی - قوام شیرازی
غلامحسین میرزا محمود - دکتر مصدق
رئیس - آقای عدل

عدل - آقای مقدم بواسطه کسالتی که دارند نمیتوانند
به مجلس حاضر شوند بتوسط بنده هم از مقام محترم ریاست
اجازه مرخصی خواسته اند بنده هم عرضیه ایشان را تقدیم
کرده ام هم در سه جلسه قبل و هم در این جلسه
ایشان را غائب بی اجازه خواندند خواستم مخبر کمیسیون
عرایض توضیح بدهند که عریضه ایشان رسیده است و
تصویب نشده است یا اینکه عریضه ایشان به کمیسیون
نرسیده است

زوار (مخبر کمیسیون عرایض) - تقاضائی که آقای
مقدم کرده بودند ننوشته بودند مریض هستند در هر
صورت تقاضای ایشان رسید و اکثریت کمیسیون تصویب
نکرده است

رئیس - آقای ملک آرائی
ملک آرائی - آقای محمود رضا را غائب بی اجازه نوشته
اند در صورتیکه بتوسط بنده از مقام ریاست استعجازه نمودند
مریض و استری میباشد

رئیس - خبرش حاضر است الان قرائت میشود آقای
کازرونی.
کازرونی - بنده در دستور عرض دارم

رئیس - صورت مجلس اعتراضی ندارد
(گفته شد خبر)

وزیر پست و تلگراف - در اردیبهشت همین سال
مبلغی تقریباً صد و هشتاد و چند هزار تومان که برای
سیم کشیهای بین طهران و روسیه و طهران و ترکیه خط
سیستان و بعضی نقاط دیگر پیش بینی شده بود در مجلس
تصویب شد و برای اینکه دوره مالی آن گذشته وزارت
مالیه در پرداخت آن موافقت نکرده از آن طرف هم
یک قسمت ثابت از آن مخارج پرداخته شده و تقریباً
هشتصد هصد الی هزار خروار هم سیم خریداری شده
است برای احداث این دو خط که خیلی لازم است
و امروز در بندر پهلوی آن سیم ها دارد میپوسد اگر
ما از حالا تهیه مقدمات و وسائل کار را نکنیم ممکن
است فصل بگذرد و قریب صد هزار تومان مصالح موجوده
از بین خواهد رفت. و این خبر هم چند روز قبل از
این طبع و توزیع شده است. استدعا میکنم آقایان موافقت
بفرمایند در اول دستور این یک فقره خبر تصویب شود
که بنده هم مقدمانش را فراهم کنم و از اول سال شروع کنیم
بسیم کشی

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع
حاج آقا رضا رفیع - در جلسه گذشته آقای وزیر
مالیه آمد و تقاضا کرد لایحه متخصصین مالی جزء دستور
شود سه چهار ماده هم بیشتر نیست ما هم مطالعه کرده
ایم. آقا هم موافقت بفرمایند که آن بگذرد و بعد آن
کار را بگذرانیم

وزیر پست و تلگراف - بنده هم مخالفی ندارم عائد
بمد از آن لایحه

رئیس - آقای کازرونی راجع به دستور فرمایشی
دارید؟ بفرمائید
کازرونی - بنده سئوالی از آقای وزیر پست و
تلگراف داشتم...

رئیس - فرمودید راجع بدستور حرفی دارید
کازرونی - این هم جزء دستور است قبل از دستور
باید سؤل شود

رئیس - هر وقت بخواهید سؤل کنید اگر حاضر
باشند جواب میدهند
کازرونی - حاضرند

رئیس - پس تا مل کنید خبر های کمیسیون مرخصی
قرائت شود بعد سؤل بفرمائید
(بشرح ذیل خوانده شد)

نایبند محترم آقای مرتضی قلیخان بیات از انقضای
مرخصی سابق مدت هفده روز دیگر تقاضای تمدید مرخصی
کردند که حقوق این مدت غیبت را برای مصارف مدرسه
صمصامیه عراق تخصیص دهند کمیسیون عرایض و
مرخصی با تقاضای ایشان موافق و خبر آنرا تقدیم مجلس
مقدس مینماید

رئیس - آقای کازرونی
کازرونی - عرض کنم اگر چنانچه کمیسیون محترم
عرایض مرخصی ایشان را شروع میدانند بنده سؤل
میکم به چه دلیل مرخصی های دو روز و سه روز که
می آید رد میکنند. در هر حال اگر این مرخصی
مشروع است و مختارند چه خودشان بگیرند و چه به
مدرسه بدهند و چه به ایتم. و اگر مشروع نیست
بنده عرض میکنم شما حق ندارید چیزی را که در واقع
مشروع نمیدانید بخشش کنید به جای دیگر. عرض بنده
راجع به کمیسیون عرایض است با رویه خاصی که اتخاذ
کرده است و بنده روی آن رویه خواستم اظهار عقیده
کنم و الا مرخصی ایشان را ولو خود شان هم پولشان
را بگیرند بنده مخالف نیستم چه رسد به اینکه به مدرسه
بدهند. ولی خواستم توضیح بدهم که اگر این عذر
موجه دانسته اند بچه دلیل موجه دانسته اند و چرا عذر
دیگر را برای یک روز و دو روز و سه روز موجه

نمیدانند فرضاً آقای طلوع که مریض هستند یا یک نفر
ناخوش است و یک روز برای مداوا رفته است عذرش
بنظر شایسته موجه نبوده است خواستم توضیح بدهم
زوار - عرض کنم نماینده محترم که شروع بمذاکره
کردند تمام نیر های صحبتشان بطرف کمیسیون بود در
صورتیکه کمیسیون عرایض فعلی جز اجرای نظامنامه و
انکال به وجدان هیچ کار دیگر نکرده است. آنکه راجع
بآقای طلوع فرمودند بطوریکه حضرت اشرف آقای رئیس
اظهار فرمودند خبر راجع بمرخصی ایشان تقدیم شده
است و امروز قرائت میشود و آقا از آن حیث راحت
میشوند. راجع بمرخصی آقای بیات هم همه میدانند نظر
بمصیبتی که بایشان رخ داده بود نمیتوانستند در آن موقع
حاضر شوند اگر ایشان حقوق خودشان را هم بمعارف
تخصیص نمیدادند کمیسیون از تصویب آن خودداری نکرده
و چون عقیده اعضاء کمیسیون این است که همیشه نسبت
بمعارف خدمت بشود و ایشان هم حقوق این مدت
خودشان را تخصیص دادند بمدرسه صمصامیه عراق از اینجهت
کمیسیون بطریق اولی تصویب کرد

رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی پانزده روزه آقای
بیات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر دیگر
(خبر مرخصی آقای بنی سلیمان بشرح ذیل خوانده شد)
نایبند محترم آقای بنی سلیمان بعلت کسالت مزاج و
امتداد آن بیکه دیگر از تاریخ اول بهمن بر مرخصی سابقشان
تقاضای تمدید کردند چون معزی الیه مریض بستری
هستند لذا کمیسیون با تقاضای ایشان موافقت نموده خبر
آنرا تقدیم مینماید

رئیس - رأی گرفته میشود بمرخصی یکماهه آقای
بنی سلیمان آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب بر خواستند)

رئیس -- تصویب شد. خبر دیگر

[بشرح ذیل خوانده شد]

غایبند محترم آقای محمود رضا بعلت کسالت و اینکه بتصدیق اطباء محتاج بعمل بدی هستند از تاریخ بیست یکم بهمن ۱۳۰۶ پانزده روزه اجازه مرخصی نمودند کمیسیون عرایض و مرخصی عذر معزی الیه را موجه دانسته با تقاضای ایشان موافق و خبر آنرا تقدیم مجلس می نماید.

رئیس -- رای گرفته میشود بمفاد این خبر آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

[اغلب قیام نمودند]

رئیس -- تصویب شد. پیشنهاد آقای اعتبار قرائت می شود؟

اعتبار -- تصور میکنم [چون خود آقای وزیر پست و تلگراف تقاضا کردند که بماند برای بعد از تنفس] دیگر مورد ندارد

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- چنانچه خاطر محترم آقای وزیر پست و تلگراف مسبوق است چندی پیش قانون گذشت و اعتباری داده شد برای احداث سیم های جدید تلگراف در بعضی نقاط و خیلی هم با شوق و شمع آن لایحه مطرح و تصویب شد و چون عقیده بنده این است که هر مبلغ ما بجهت توسعه و ازدیاد سیم های تلگراف خرج کنیم نه تنها این پول از کیسه ما زفته است بلکه یک خرجی است که در مقابلش دخل دارد و گذشته از آن یک فواید زیادی نسبت به مملکت و اقتصاد مملکت دارد بنده منتظر بودم که مشغول عملیات شوند و با آن اعتباریکه دارند به انجام آنها بپردازند لکن هر چه انتظار کشیدم هیچ آری ظاهر نشد و در ضمن هم بعضی عذر ها اقامه میکنند و نمیدانم عذر موجهی که دارند چه چیز است و دلیل اینکه تا حال اقدام نفرموده اند

دفاع کنند این است که بنده پیشنهاد کردم که لایحه اعتبار انتخابات جزو دستور شود یک چیز مختصری است آقایان این را بگذارند که وزارت داخله وسائل انتخابات را فراهم نماید و در موقعیکه آقای وزیر مالیه تشریف آوردند لایحه متخصصین مالی مطرح شود

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- اولاً اینکه فرمودند چیزی به آخر دوره نمانده است شش ماه مانده است. ثانیاً بنظر بنده تقاضائی که آقای وزیر پست و تلگراف کردند و پس گرفتند و همان لایحه متخصصین مالی جزء دستور شد استدعا می کنم شما هم موافقت فرمائید این لایحه مطرح شود آقایان اعضاء کمیسیون هستند از آن دفاع میکنند آقای وزیر مالیه هم حالا می آیند آقای وزیر پست و تلگراف هم اینجا تشریف دارند و مقام ریاست الان اعلام فرمودند شما هم ملاحظه فرمائید و بعد از گذشتن لایحه متخصصین مالی این مسئله مطرح شود

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حاج میرزا آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. لایحه راجع به متخصصین مالی مطرح است ماده اول قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول -- مجلس شورای ملی بدولت اختیار میدهد که متخصصین خارجی ذیل را برای مدت دو سال استخدام نماید

۱ -- بکنفر متخصص عالی مقام مالی و اقتصادی از اتباع آلمان

۲ -- بکنفر برای ریاست خزانه داری کل از سوئیس

۳ -- یک نفر برای ریاست اداره محاسبات کل از سوئیس

۴ -- بکنفر برای ریاست اداره نفتیش از آلمان

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده از اول عرض کردم ما محتاج به چهار نفر نیستیم امروز ما میتوانیم به دو نفر از آنها که یکی متخصص عالی مقام مالی و یکی هم ریاست خزانه داری باشد اکتفا کنیم و آن دو نفر دیگرش را که یکی بجهت محاسبات و یکی برای نفتیش باشد محتاج نیستیم و عرض کردم مملکت را مجازات و پاداش اداره میکند اگر ما قانون مجازات را به موقع اجرا بگذاریم یعنی خائن را مجازات کنیم و خادم را پاداش دهیم هیچ وجه محتاج به متخصص نیستیم و همه این چیز ها را بقدر کفایت در مملکت خودمان داریم ولی اگر مجازات و پاداش نباشد هر کس از هر نقطه بیاید باینجا باز هم رفع احتیاجات ما را نمیکند و روز بروز بر احتیاجات ما می افزاید. خوب حالا آقایان اطلاعاتشان از بنده زیادت است و میگویند لازم است بسیار خوب ولی بنده میگویم بهمان دو نفر که یکی متخصص عالی مقام مالی از آلمان و یکی هم از سوئیس بجهت خزانه داری باشد اکتفا کنیم و آن دو نفر دیگرش را از خودمان استخدام کنیم. تفاوت خرج اینها هم در دو سال تقریباً صد هزار تومان زیادت میشود یعنی اگر این دو نفر را کمتر استخدام کنیم صد هزار تومان صرفه جوئی کرده ایم و این صد هزار تومان را می توانیم مصارف لازمه خودمان برسانیم که زیادت از این مبتلا بفقیر و فلاکت نشویم. با این صد هزار تومان میتوانیم یک کارخانه چرم سازی یا یک کارخانه دیگر بیاوریم باین ملاحظه بنده با چهار نفر مخالف بودم و حالا هم هستم

رئیس -- آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع -- اولاً نمابنده محترم باید تصور فرمایند که ما محتاج بمتخصص هستیم یاخیر فیروز آبادی -- اگر مجازات باشد نیستیم رفیع -- اگر معلوم شود که محتاج به متخصص هستیم دیگر تعیین عده آن با دولت است و قتیکه دولت تشخیص

داد برای اصلاح امور مالیه چهار نفر لازم است لایحه اش را تقدیم میکند برای تصویب به مجلس. در هر حال وقتیکه ما تصدیق کردیم که متخصص لازم داریم دیگر تشخیص عده اش با دولت است ما متخصص برای تنظیم امور مالیه و برای اقتصادیات و برای منابع ثروت میخواهیم بیاریم ابتدا صحبت مجازات در بین نیست آن مسئله علیحده است. يك قانونی راجع به مجازات گذشته است و هر چه آقا به عقاشان میرسد و آن اندازه که لازم میدانند برای آن قانون پیشنهاد بفرمایند ولی تصدیق بفرمائید که قانون مجازات مربوط به اینجا نیست. این که فرمودند صد هزار تومان تفاوت خرج دارد صد هزار تومان نیست بعلاوه آقا صد هزار تومان را ملاحظه میفرمایند ولی نمیدانند ما چه فوایدی از اینها میبریم ما انتظار داریم میلیونها از این متخصصین خودمان فایده ببریم شمام موافقت بفرمائید که اینها بیابند و انشاء الله در اثر خدمات آنها يك پوهائی در مملکت پیدا شود و وضعیت اقتصادی ما که همیشه نظر آقا را جلب میکند در تحت نظر متخصصین اداره شود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود بماده اول بر تریبی که قرائت شد. آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم

(شرح آتی خوانده شد)

ماده سوم - وظایف متخصص عالی مقام مالی و اقتصادی بقرار ذیل خواهد بود

۱ - قسمت اقتصادی

- ۱ - مطالعه در اوضاع اقتصادی و وسائل بهبودی آن
- ب - تهیه پروگرام اقتصادی مبتنی بر اساس محکم مالی برای استفاده از منابع ثروت مملکت بتوسط افراد مردم و دولت
- ج - تهیه لوایح قانونی و دستورات مربوطه به آنها

بکمیسون بر کشت و دولت يك اصلاحات در این ماده کرده و اسمش را گذارده اند اختیارات زیاد تر در صورتی که بعقیده بنده يك مشت الفاظ تبدیل یافته بيك مشت الفاظ دیگر که بالتبجیه بر حجم کتاب افزوده و تمام عبارت است از مطالعه. حق دارد مطالعه کند. و کسی که حق داشته باشد مطالعه کند طرف هم حق دارد گوش بجزر او ندهد. مطابق اطلاعاتی که بنده پیدا کرده ام و شاید هم آقای وزیر مالیه تکذیب نفرمایند با این ماده و با این شرایط يك متخصص عالی مقام دارای این رتبه و این مقام نخواهد آمد و البته يك کس دیگری خواهد آمد. بنده باز بر همان عقیده مخالفم باقی هستم و عرض میکنم مالیه ما محتاج بتشکیلات است و باید تشکیلاتش محکم باشد. ما محتاجیم بيکنفر مدير اداره تشکیلات ما يك اساس و پایه محکمی پیدا کند و الا این طرز تشکیلاتی که وزارت مالیه دارد يك مؤسسات مفیدی نخواهد بود و بدرد ما نمیخورد و خودمان هم اگر میتوانستیم این تشکیلات را درست کنیم کرده بودیم...

آقا سید یعقوب - میتوانیم

بامداد - شما بیشتر از همه داد میزدید. بنده بطور اختصار عرض میکنم که اینجا فقط يك تبصره مفیدی هست که عبارت از اینست اگر اختلاف نظری بین متخصصین و وزیر مالیه روی بدهد یعنی پس از آنکه متخصص مطالعات خودش را نمود و نظریات خودش را تقدیم وزیر نمود اگر اختلاف نظری بین وزیر و متخصص پیدا شد هیئت وزراء رسیدگی میکنند و در حقیقه مفید ترین مرقومات این ماده همین تبصره است که این را کمیسون خوشبختانه علاوه کرد و آقای وزیر هم قبول کردند وقتیکه بهیئت وزراء رفت ماده که محل اختلاف است البته بحکم تضامن و تعاونی که هیئت وزراء با هم دارند نمیتوانند بگویند وزیر غرض رانی کرده است و البته وزراء جانب وزیر مالیه را ترجیح میدهند بر جانب بيکنفر متخصص مالی بعلاوه اگر

همینقدر وزیر مالیه حاضر شوند این را قبول میکنند چنانچه بنده از ایشان در کمیسون این تقاضا را کرده ام که در مورد اختلافات هر چه هست تقدیم مجلس کنند بنده هم آنوقت با این ماده موافقم و رای میدهم که اگر در هیئت وزراء رفع اختلاف نشد به عنوان راپورت به مجلس تقدیم دارند که در این مورد اختلاف شد راپورت داد بهیئت وزراء و در هیئت وزراء قبول نشد. زیرا ممکن است نظر متخصص يك نظر خون بجهت اقتصادیات و هیئت وزراء هم از نقطه نظر سولیدارسته و تعاونیکه با هم دارند جانب وزیر مالیه را بگیرند و آن منفعت از ما فوت شود آنوقت ممکن است مجلس به عنوان سؤال یا در کمیسون داخل مذاکره شود و يك فایده از ما فوت نشود و الا این اختیارات را برای او قرار داده اند تمام مطالعه است و راپورت دادن و با مطالعه و راپورت دادن ما از متخصص مالی استفاده نمیکنیم.

مخبر - در اینجا دو سه مرتبه چه در شور اول و چه حالا يك مذاکره از اختیارات میشود. بنده میخواستم اساساً بفهمم که مقصود از اینکه ما يك اختیاراتی به يك نفر مستخدم خارجی خودمان بدهیم چیست؟ اول بابد این مسئله معلوم شود که حقیقه مقصود و منظور ما از اینکه يك کسی را که برای خدمت در يك اداره خودمان جلب میکنیم چیست؟ اگر ما اطمینان به وضعیت داخلی خودمان نداریم با دادن اختیار به يك مستخدم خارجی هم این کار اصلاح نمیشود بلکه ما دو قوه را از خودمان سلب کرده ایم یکی از حیث اینکه اختیار داخلی نداریم یکی هم اینکه مستخدم خارجی که آورده ایم اختیاراتی را هم که داریم به او داده ایم بنده عقیده ام این است آقابانیکه طرفدار دادن اختیارات به مستخدم خارجی هستند خوب است نظریاتی پیشنهاد کنند که وزراء و مستخدمین و عناصر داخلی ما اختیاراتشان زیاد تر شود و الا چون ما از یکطرف اختیار نداریم از طرف دیگر هم اختیار را از خودمان

سلب کنیم این دلیل صحیحی نیست. آقای بامداد فرمودند باین اختیاراتی که اینجا داده شده است متخصص عالیمقام نیاید بنده نتوانسم دلائل ایشان را بفهمم که چرا نیاید ما میخواهیم یک متخصص عالی مقامی در حدود یک اختیاراتی استخدام کنیم و پول هم باو بدهیم چرا نمی آید؟ با ما دعوا دارد که بیاید اینجا حتماً آقای بالاسر ما بشود؟ آهائی را هم که دبدبند آمدند با یک اختیارات فوق العاده ما خودمان خواستیم آن اختیارات را بانها بدهیم و الا آنها که با ما جنگ ندارند آنها در حدود همان اختیاراتیکه بانها داده میشود و در حدود قانونی که وضع میشود برای کار آنها در حدود همان اختیار کار میکنند. البته اگر اختیاراتشان زیاده باشد بیشتر استعمال میکنند کمتر باشد کمتر استعمال میکنند اینکه متخصص عالیمقام با این اختیارات نیاید بنده دلیلی برایش تصور نمیکنم. البته می آید منتهی هر قدر باو اختیار دادید در همان حدود کار میکنند. فرمودید اختیاراتی که اینجا داده شده است همه در حدود مطالعه است ما هم تصدیق میکنیم و اصلاً بیش از این صلاح ندانستیم که به او اختیار بدهیم این شخص را فقط ما خواسته ایم بیاید این جا و مطالعه کند و هیچ کار دیگر از این شخص نخواسته ایم، در شور اول هم گفته شد که ما کارها را دو قسمت کرده ایم یکی کارهای جاری که ما لازم دانستیم در ضمن آن کارها یک اختیارات عملی بدهیم یکی هم کارهای غیر جاری که مقصود از مطالعه در وضعیات مالی و اقتصادی این مملکت است و تهیه کردن یک پرگرام ها و یک پروژه هائی است که این شخص را فقط همانطور که گفته شد برای مطالعه در امور اقتصادی و مالی این مملکت جلب میکنیم که تهیه لوایحی بکند و آرزای بدهیم به دست قوه مجریه یعنی بعد از آنکه بصورت قانونی در آورده بدهیم بدست قوه مجریه که اجرا کنند اینکه فرمودند اینها یک مشت الفاظ است عرض کنم که بلبه ممکن است که ما آنقدرها به الفاظ اهمیت ندهیم ولی

رفتی اینها ترجمه میشود به زبان آنها دیگران اهمیت میدهند و هر لفظی که معنی دارد تصدیق بفرمائید که به آن اهمیت میدهند دولت اگر این جا میخواست فقط بطور ساده بنویسد که وظیفه او مطالعه در امور مالی و اقتصادی است دیدیم بعضی خارجی ها را که جلب کردیم طرز مطالعه شان چطور بود میروند گردش میکنند کتاب مینویسند سفرنامه مینویسند اسمش را هم میکنند مطالعه پس دولت و کمیسیون صلاح ندانست که اینطور معین کنیم که این بیاید مطالعه کند، یک چیز هائی را معین کردیم که این متخصص بیاید در آن امور مطالعه کند و در همان زمینه ها یک لوایحی تهیه کند و راپورت بدهد و تمام این الفاظ را که ملاحظه میفرمائید هر کدامش را که شما تصور میکنید اثر ندارد پیشنهاد بفرمائید که یک چیز دیگری جای او بگذاریم و الا این لفظی که اینجا نوشته شده است یا معانی خودش کاملاً تطبیق می کند و او باید اینکارها را در این مملکت بکند. و اینکه فرمودید که یک تبصره پیشنهاد کردند این را دیگر بی لطفی فرمودید برای اینکه تمام این مواد را اگر نظرمان باشد خود آقای وزیر مالیه در اینجا تقاضا کردند که رود بکمیسیون، در کمیسیون هم اینمواد را بطور کلی بردند و یک مواد تازه در خود کمیسیون پیشنهاد شد منتهی در آن مواد جدید در کمیسیون خیلی بحث شد و بالاخره اگر خاطرنان باشد بنده و آقای وزیر مالیه از طرف کمیسیون اختیار داده شد که برویم و طرز عبارت نویسی و ماده نویسی این لایحه را تنظیم کنیم، این تبصره را هم خود دولت پیشنهاد کرد، این را هم باید مطلع بشویم که در اینمواد یک تبادل نظری با آن کسی که ما از آن این متخصص مالی را خواسته بودیم بعمل آمده است و او در همین حدود و در حدود همین ماده حاضر شده است که بکنفر متخصص عالیمقام برای ما استخدام کند و در انتهای هم میخواستیم عرض کنیم که آنقدرها اختیارات هم کم نیست زیرا ما مقام این متخصص را

بلافاصله بعد از وزراء معین کرده ایم یعنی خود دولت این طور پیشنهاد کرد یعنی شما هر مسؤولیتی که از یک نفر معاون وزارتخانه این جا تقاضا داشته باشید از این شخص هم میخواهید یک چنین مقامی داده شده است و این اختیارات داده شده است و اختلاف نظری هم اگر بین او و وزارت مالیه پیدا شود حکمیتش را در هیئت وزراء قرار میدهند، بنده دیگر نمیدانم که چه کار باید بکنیم، گو سفند جلویش بلشیم ۱۹
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 رئیس - رای گرفته میشود... پیشنهادی است از طرف آقای آقا سید یعقوب رسیده است
 (این نوع خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم در جزء ماده سوم عوض کلمه مالی خارجی نوشته شود: مالی بدون کلمه خارجی
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - بنده نظرم می آید در کمیسیون هم همین را عرض کردم ولی حالا در نظر ندارم که چه توضیحی به بنده دادند و گمان میکنم اینطور که بنده پیشنهاد کردم ضرری ندارد، این جا نوشته شده است مطالعه در اختیارات موجوده و تهیه شرایط عمومی امتیازاتیکه در آیه ممکن است داده شود و دادن رای مشورتی در امتیازات و تعهدات مالی خارجی دولت قبل از تقدیم لوایح مربوطه آنها مجلس شورای ملی اگر این کلمه خارجی از این جا برداشته شود مطلب کاملاً مفهوم میشود، بنده تعهدات مالی خارجی را دولت فایده اش را نفهمیدم.
 وزیر مالیه - در کمیسیون بودجه بنده این توضیح را خدمت آقای آقا سید یعقوب عرض کردم گویا فراموش فرموده باشند اگر حافظه بنده بهتر از حافظه ایشان باشد گویا در آنجا همینطور عرض کردم که اگر در این دو سال یک پیش آمدی کرد و دولت چنین صلاح دانست که در خارجه یک تعهدات مالی بکند و استقرای فرضاً بخواهد بکند. یک کارخانه بیاورد یا یک امتیازی که

متضمن تعهد مالی باشد بدهند. رای آن متخصص هم برای پیشنهاد کردن به مجلس دخیل باشد و بنظر آن شخص باشد و اگر بنا باشد مالی مطابق بنویسیم شامل تعهد مالی داخلی میشود و تمام جریان عادی زندگی دولت و مجلس تعهد مالی است
 آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم.
 رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده
 (بمضمون ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم بفرست و وظائف مستشار قسمت ذیل مالی و اقتصادی اضافه شود
 مطالعه و اظهار عقیده در بهترین طرق ترتیب بودجه مملکتی و تناسب قسمتهای آن با احتیاجات مملکتی و تعادل مخارج با عایدات و تهیه بودجه کل در موقع خود مطابق قانون اساسی.
 رئیس - آقای تقی زاده
 تقی زاده - یک کلمه اش را گویا در خواندن اشتباه کردند مقصود قسمت ذیل مالی و اقتصادی نبود مقصود این بود که قسمت ذیل بوظائف مستشار مالی اضافه شود. عرض کنم بنده ملاحظه کردم که در جزء وظائف این متخصص مالی و چیزی که از او خواسته اند راجع به مشورت کردن با او در امور بودجه نبود و چون اساساً در این اختیارات بنا بر مطالعه و مشورت و عقیده خواستن است بدون اینکه رائی داشته باشد پس اگر در این مسئله هم عقیده او را بخواهند هیچ زبانی ندارد یعنی باب ضررش مسدود است و بنده گمان میکنم که هر کدام از این وظایفی که به او رجوع کرده اند برای رفع یک احتیاج مملکتی است و برای سد یک خللی است و به او اختیار میدهم برای تنظیم یک کار هائسی که منظم نیست و عقاید او را بخواهیم که اگر عقایدش صحیح باشد عمل کنیم اگر صحیح نباشد عمل نکنیم و بنده می بینم یکی از خلل هائی که در امور ما هست مسئله بودجه است و بنده عرض میکنم که تقصیرش با

بک مرکز معینی است ولی بهر حال همه ناراضی هستند و گداهی هم مجلس شورای ملی با اتفاق اظهار عدم رضایت در این موضوع میکنند که بودجه عقب افتاده است بودجه ما از اول سال مشروطه تا امروز هر قدر هم سعی شده است که بلکه در موقع قانونی خودش که نش ماه به آخر سال مانده باشد بیاید بواسطه بک محظورانی هنوز نشده است و کمیسیون بودجه هم محظورانی دارد و بودجه طول میکشد. پس بنده گمان میکنم که بک راه حلی برای این کار باید پیدا کرد که این ترتیب عوض شود و عرض شدن این ترتیب هم برای ما خیلی لازم است و خیلی مفید است برای اینکه این ترتیب بودجه که ما داریم که بمجلس نمی آید مگر روزهای آخر ماه اسفند آنوقت هم باکمال عجز مجبوریم آرا بگذرانیم و رای بدهیم و در جواب هر ایرادی هم گفته میشود که این فرمایشات صحیح است و منطقی است انشاءالله در بودجه سال آتی در نظر گرفته میشود ولی حالا موقعش گذشته است و آنوقت دولت هم مجبور میشود در ظرف سال برای هر بک از مخارجی که پیش می آید بک لایحه بیاورد در صورتیکه اگر بودجه ما مرتب و منظم باشد تمام احتیاجات مملکتی را در همان بودجه پیش بینی میکنند و نادراً اتفاق می افتد که بک یا دو سه چیزی در عرض سال پیش بیاید که دولت مجبور باشد اعتبار او را از مجلس بخواهد ولی با این حال مجلس هر روز گرفتار لواج مخارج و تأسیسات نفعه یا غیر نفعه و یا کم اهمیت است و آقایان هم باید رأی بدهند بنده هم نمیخواستم این مطلب را پیشنهاد کنم که آقایان زحمت رأی دادن یا رأی ندادن را بکشند ولی چون بعد از اینکه بک ناطق حریف زد فوراً گفته شد مذاکرات کافی است و بنده هم که اجازه گرفته بودم نتوانستم این نکته را عرض کنم ولی حالا عرض میکنم که چون این مسئله یکی از چیزهای مهم است باید جزء وظایف این متخصص بگذاریم که وقتی آمد بلکه موفق شود که اینکار را بکند و این را بنده

پیشنهاد کردم که ممکن شود قبول کنند وزیر مالیه - این نظری را که آقای نماینده محترم پیشنهاد کردند البته یکی از نظریاتی است که اگر در قانون باشد یا باشد دولت و وزارت مالیه در این امر با این مستشاری که می آید مشورت خواهد کرد و بلادره ما خودمان در نظر داشتیم که در این لایحه بک عبارتی که متضمن این معنی باشد بگنجانیم فقط بک نکته را که بنده میخواهم قبل از آن فورمول و آن عبارت بعرض برسانم و آقای تقی زاده را متوجه کنم این است که بک متخصص را که ما برای مطالعه می آوریم و مداخله در امور اجرایی و جاری نمیدهم برای او تشخیص کامل احتیاجات بودجه و تهیه بودجه را مطابق قانون اساسی که آقایان جا فرمودند وظیفه او قرار دادند بک کار خیلی مشکلی است برای اینکه تهیه بودجه با تشخیص احتیاجات کامل بودجه مستلزم دخول در تمام جزئیات زندگانی بک اداره و اطلاع کامل به اصول جریان آن اداره است. بنده خودم این فورمول را در نظر گرفته بودم و آقایان اعضاء کمیسیون بودجه هم اگر در نظر بگیرند که اضافه شود بدینست و آن عبارت این است (معاضدت یا وزیر مالیه در تهیه لایحه بودجه مملکتی) برای اینکه آن مقصود را انجام میکنند بدون اینکه بک تکلیفی برای او ایجاد کرده باشیم و اگر آقای تقی زاده هم با این فورمول بنده موافقت کنند بنده هم مساعدت میکنم و الا بعد از آنکه به پیشنهاد ایشان رای گرفته شد بنده استدعا میکنم از آقای مخبر که این فورمول را در قسمت (د) قبول کنند

رئیس - رأی می گیریم . . .
تقی زاده - بنده پیشنهادم را استرداد میکنم
وزیر مالیه - پس این قسمت را اجازه بفرمائید که (معاضدت یا وزیر مالیه در تهیه لایحه بودجه مملکتی) در قسمت (د) اضافه شود.
مخبر - بنده هم موافقت میکنم که این قسمت

اضافه شود.
رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (بمضمون آن خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت دوم وظایف متخصص عالی مقام در آنجا که میگوید و نظارت در مخارج پیشنهاد میکنم اضافه شود و جلوگیری از مخارج زائده اداری
رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی از آنجا بیکه بنده نظر دارم تمام مخارج به اندازه عایدات باشد و در این سنوات اخیر مخارج اداری ما خیلی زیاد شده حتی در بعضی ادارات هست که فرضاً هزار تومان بودجه آن اداره است نه صد تومان خرج اداره اش است. به این جهت بنده پیشنهاد کردم که یکی از وظایف این متخصص عالی مقام این باشد که بک کارهایی بکند که جلوگیری از مخارج زائده اداری بشود هر چند که خود دولت ممکن است اینکار را بکند ولی بعضی اوقات اینها گرفتار بعضی تقاضا و خواهشها میشوند که نمیتوانند رد آن تقاضاها را بکنند بنده این وظیفه را مخصوص متخصص قرار دادم که او جلوگیری از مخارج زائده اداری بکند تا این پولها بغير خرج اداری بخرجهای دیگر هم برسد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - توجه میدهم آقای فیروز آبادی را که اولاً این شخص متخصص است و مستشار نیست و ثانیاً این مطلب را هم آقای مخبر و هم آقای وزیر و هم هم اعضاء گفته اند که عملیاتی ما با این نداریم این که نوشته شده است نظارت کردن در مخارج یعنی چه ؟ ما این کار را بان شخص واگذار کرده ایم ولی اصلاً به او عمل نداده ایم این مأمور است که بیاید مسائل علمی را ملاحظه کند و نظریات خودش را بدهد بوزیر مالیه اگر او صلاح دانست که خوب و الا در هیئت وزراء

مباحثه میشود اگر آنها هم صلاح بدانند میبرد نوی اطفاش این قدر روح قبحومیت که این جا اظهار می دارید خوب نیست، این قدر بخودمان توهین نکنید او می آید داخل در مسائل علمی می شود و این کارها را هم نظارت میکند. این است که بنده مخالف با این پیشنهاد شما هستم
فیروز آبادی - بنده نظرم با توضیح آقای وزیر مالیه بک قدری تأمین شد

بکنفر از نمایندگان - کی آقای وزیر مالیه توضیح داد ؟
فیروز آبادی - در جواب آقای تقی زاده که توضیح دادند. (خنده نمایندگان)
رئیس - در قسمت (د) آقای وزیر مالیه پیشنهادی کرده اند که قرائت میشود
(بمضمون ذیل خوانده شد)
د - معاضدت یا وزیر مالیه در تهیه لایحه بودجه مملکتی.
رئیس - رای میگیریم به ماده سوم با این اصلاحی که قرائت شد. آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
مخبر - تبصره هم هست

رئیس - با تبصره رای گرفتیم. ماده چهارم (بنحو ذیل قرائت شد)
ماده چهارم - مقام متخصص مالی و اقتصادی بلافاصله بعد از وزراء خواهد بود. متخصص مزبور از نقطه نظر اداری در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه بوده ولی برای خواستن اطلاعات و توضیحات لازمه در مسائلی که مربوط بوظایف او میباشد با وزارتخانهها و ادارات مربوطه - حق مکانیه مستقیم خواهد داشت
عموم وزارتخانهها و ادارات دولتی مکلف هستند تمام اطلاعات را که متخصص مالی و اقتصادی در امور مربوطه

به وظائف خود مطالبه نماید. عشار الیه بدهند باستانهای اطلاعات که دولت مخفی بودن آرا لازم بداند اداره نفیض وزارت مالیه باید از کلیه راپورتهایی که در نتیجه تفتیشات خود به وزیر مالیه میدهد مربوط به وظائف متخصص مالی میشود يك نسخه هم بتخصص مزبور بدهد و همچنین اداره مزبور مکلف است در هر موقعی که متخصص مالی و اقتصادی در وزارت مالیه یا ادارات تابعه آن تفتیش در امر خاصی را که مربوط بوظائف متخصص مزبور باشد تقاضا نماید آرا انجام داده نتیجه را عشار الیه و بوزیر مالیه اطلاع دهند

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده هر چند بعضی عرایض را که میخواهم بکنم آقای آقا سید یعقوب و آقای عدل الملک کم لطفی میکنند بنده هر عرضی که دارم میگویم آقایان هر کم و زیادتی که میخواهند بکنند بنده در این ماده مخالفتی ندارم بجز در آن جایش که مینویسد: عموم وزارتخانهها و ادارات دولتی مکلف هستند تمام اطلاعاتی را که متخصص مالی و اقتصادی در امور مربوطه به وظائف خود مطالبه نماید به عشار الیه بدهند (مطلب سر این جا است که عرض میکنم) باستانهای اطلاعات که دولت مخفی بودن آرا لازم بداند بنده عقیده دارم نوشته شود باستانهای اطلاعاتی که هیئت دولت مخفی بودن آرا لازم بداند يك هیئت به کلمه دولت اضافه شود و الا دیگر بنده عرضی ندارم.

رئیس -- آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا (رفیع) -- عرض کنم که بنده کن می کنم که عرض آقای فیروز آبادی از این مخالفت جواب به مخالفت آقای آقا سید یعقوب و مخالفت با آقای دادگروند اما آقای دادگر که همیشه با کمال التفات نسبت به آقا اظهار میکردند و جواب فرمایشات آقا را میدهند و آقا سید یعقوب هم که نسبت به مذاکرات ایشان خرفی نزدند و کم و زیاد نکردند آنها را هیچ به ماده که فرمودید هیئت دولت باشد آرا

وزارت را میکنند مقدم باشد

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- این عبارت نازه است و در این هفت، هشت ده سال پیش این عبارت را نداشتیم اگر آقایان وزراء بخواهند این مسئله را در نظامنامه بنویسند میتواند دولتی در قانون عقیده بنده این است همانطور که پیشنهاد کردند این عبارت حذف شود ولی اینجا این عبارت يك حق برای آنها درست میکنند که اسباب زحمت خواهد شد ولی اگر بدون این عبارت این کار را بکنند يك منفي هم بر آنها می گذارند این است که اگر آقایان صلاح بدانند این جمله از اول این ماده حذف شود و از متخصص مزبور اول ماده باشد

(غایبندگان - صحیح است)

وزیر مالیه -- بنده اصل مقصود را بعرض آقایان رساندم و چون در آخر این قانون هست که مطابق اصول کلی شرایط فرعی را دولت باید در کثرت معین کند ممکن است در شرایط فرعی کثرت ما خود مان این کار را بکنیم

رفیع -- بنده پیشنهاد تجزیه میکنم

مخبر -- چون آقای مدرس فرمودند که این لفظ نازه است بنده خواستم پیدا کنم که در کثرت متخصص مالی سابق هم این مطلب بوده است و اینها يك چیزهایی است که آنها اهمیت میدهند حالا آقایان میخواهند جزء شرایط فرعی قرار دهند بنده هم موافقت میکنم

رئیس -- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم پیش از کلمه حق مکاتبه اضافه شود: بتوسط وزارت مالیه و کلمه مستقیم حذف شود

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- عرض کنم انسان هر چه قدر

روز بروز از عمرش می گذرد تجربیاتش بیشتر می شود این لایحه که در کمیسیون بود همانطوری که مجلس هم حقیقه در این جا خوب واقعا دقت کرد که هم حفظ حقوق متخصص را کرده باشیم و هم حفظ کیان خودمان را کرده باشیم در کمیسیون هم دقت شد که کیان مملکت را هم از دست نداده باشیم مابك معامی می آوریم نه از او يك چیزی یاد بگیریم و بکار ببریم و نباید حیثیت وزارتخانهها مان را از دست بدهیم این است که بنده پیشنهاد کردم نوشته شود در مسائلی که مربوط بوظایف او میباشد با وزارتخانهها و ادارات مربوطه بتوسط وزارت مالیه حق مکاتبه خواهد داشت و بعد از آنکه ما این قید را کردیم که مکاتبات او توسط وزارت مالیه و تحت نظر وزارت مالیه باشد حفظ حیثیات خودمان را کرده ایم نهایت چیزی که در نظر آقای مخبر محترم است این است که میفرمایند طول میکشد عرض میکنم که انقدر ها طول نمیکشد.

مخبر -- يك ماه طول میکشد.

آقا سید یعقوب -- اگر هم يك ماه طول بکشد بهتر است تا اینکه ما بزرگی خودمان را از دست بدهیم بنده عقیده ام این است که وزارت مالیه هم با این قسمت موافقت کند. این بود عقیده من

وزیر مالیه -- مقصود ما در این جا این بود که تسهیلی بکنیم چون يك تحقیقاتی این متخصص میخواهد بکند و يك اطلاعات میخواهد پیدا کند معطل نشود از آنطرف این را آقای آقا سید یعقوب باید در نظر داشته باشند که این متخصص مالی و اقتصادی هر چند از نقطه نظر اداری در تحت ریاست وزیر مالیه است ولی يك قسمت ارتباط خیلی زیادی با امور تجارتي و عامه دارد و در حقیقت استفاده کاملی هم ما در آن مؤسسه از او میخواهیم بکنیم به این ملاحظه است که این را قید کردیم و اگر خود ننده اطمینان داشتم که اگر بتوسط و در تحت نظر وزارت مالیه میکشیدیم این

اشکال پیدا نمیشد و يك بطوي در جریان پیدا نمیشد میگذاشتیم و بنده موافقت میکردم ولی بنده هنوز این اطمینان را به سرعت جریان ندارم ممکن است این متخصص يك کار زیادی داشته باشد و يك کار گزافی سر بار کار وزارت مالیه شود اما برای نزدیک شدن به فکر آقای آقا سید یعقوب آقای مخبر هم اینطور اظهار نظر می کنند که کلمه ولی را ممکن است حذف کنیم (ولی) قائل شدن خودش يك نوع امتیازی است ولی را که بردارید و نوشته شود: و برای خواستن اطلاعات و توضیحات لازمه در مسائلی که مربوط به وظایف او میباشد با وزارتخانهها و ادارات مربوطه حق مکاتبه مستقیم خواهد داشت. تأمین نظر حضرتعالی هم میشود و زحمتی هم از نقطه نظر زیادی کار و بطوء جریان کار پیدا نمی شود.

مخبر - صحیح است اگر همان کلمه ولی را حذف کنید تأمین نظریه آقا هم میشود
آقا سید یعقوب - حالا که میفرمائید تأمین میکند اگر کلمه (ولی) را برداریم و (میتواند) اضافه شود بنده پیشنهادم را مسترد میکنم

مخبر - میتواند دیگر نمیخواهد. اینطور میشود؛ و برای خواستن اطلاعات و توضیحات لازمه در مسائلی که مربوط به وظایف او میباشد با وزارتخانهها و ادارات مربوطه حق مکاتبه خواهد داشت که کلمه مستقیم (ولی) حذف شود

آقا سید یعقوب - بسیار خوب

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح ذیل قرائت شد)

در ماده ۴ در آنجا که نوشته شده عموم و زارنخانهها و ادارات دولتی مکلف هستند تمام اطلاعاتی که متخصص مالی و اقتصادی در امور مربوطه بوظایف خود مطالبه نماید بمشار الیه بدهند باستثنای اطلاعاتی که دولت مخفی بودن آنرا لازم بداند پیشنهاد میکنم اضافه شود: باستثناء اطلاعاتی

که هیئت دولت مخفی بودن آنرا لازم بداند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - خوب حالا بنده اینطور پیشنهاد کردم اگر صلاح هست قبول کنید اگر صلاح نیست بنده اصراری ندارم چون این جالفظ دولت اطلاق شده است و اگر هیئت دولت نوشته شود بهتر است زیرا که من می بینم لفظ دولت به يك وزیر هم اطلاق میشود حتی بنده میبینم امین مالیه يك جائی هم اگر يك کاری کرد میگویند دولت کرده است نمیگویند غیر از دولت کسی کرده است. هر کس که منتسب بدولت باشد و يك کاری را از طرف دولت بکند نمیگویند دولت کرده؟ پس چه میگویند؟ میگویند دولت نکرده است یا میگویند کرده است؟ اگر يك کسی يك تلگرافی کشید بيك جائی خودش هم تنهایی این کار را کرده میگویند دولت این را کشیده است یا نمی گویند؟ پس اطلاق کلمه دولت چنانکه بر هیئت دولت میشود در يك فرد بيك نفر وزیر هم میشود این ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم که (هیئت دولت) بشود و ضروری هم به جائی نمیرساند حالا اگر صلاح میدانند قبول بکنند و اگر لازم میدانند بنده هم اصراری ندارم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - اگر آقای فیروز آبادی توجه فرموده بودند اینجا منظورشان نامین شده برای اینکه باستثنای اطلاعاتی که دولت مخفی بودن آنرا لازم میدانند این جمله مقصود ایشان را تأمین میکنند و تصور میکنم فرقی بین دولت و هیئت دولت باشد چونکه هر دو کلمه يك معنی دارد و منظور حضرت عالی هم اینجا نامین شده است و ما محتاج نیستیم که در اینجا ذکر هیئت دولت را هم نکنیم.

رئیس - رای میگیریم بقبال توجه بودن پیشنهاد

آقای فیروز آبادی

(عده قلیلی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد

مخبر - چون جمله اول حذف شد از جمله دوم اینطور شروع میشود: متخصص مالی و اقتصادی کلمه مزبور حذف میشود: متخصص مالی و اقتصادی از نقطه نظر اداری در تحت ریاست وزیر مالیه بوده و برای خواستن اطلاعات و توضیحات لازمه الی آخر

رئیس - رای میگیریم ماده چهارم با حذف قسمت اول و دو کلمه اول سطر دوم و اضافه شدن بعد از متخصص «مالی و اقتصادی» با حذف ولی و مستقیم ...

بعضی از نمایندگان - لی

رئیس - رای گرفته میشود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم

(باین شکل خوانده شد)

ماده پنجم - متخصص مالی و اقتصادی دفتری خواهد داشت که جزء وزارت مالیه بوده ولی در این حال منحصر در تحت او امر خود خواهد بود مستخدمین دفتر مزبور در حدود قانون استخدام کشوری انتخاب و عزل و نصب آنها به پیشنهاد متخصص و بامر وزیر مالیه بعمل خواهد آمد

وزیر مالیه - بعد از کلمه (اوامر خود) لفظ (او) افتاده است باید اینطور باشد (اوامر خود او)

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالف نیستم. هر چند از لفظ اداره و دفترش میترسم که يك اداره باشد که ده بیست سی هزار تومان خرجش شود

رئیس - رای گرفته میشود به ماده پنجم به اضافه لفظ (او) بعد از (خود) آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هفتم

(باین ترتیب خوانده شد)

ماده هفتم - خزانه دار کل مامور وصول و تمرکز کلیه عایدات نقدی و جنسی دولت و جمع آوری عوائد کلیه مامورین صاحب جمع و کلیه وجوهی که بموجب قرار دادها و امتیازها باید بدولت برسد خواهد بود و همچنین مشارالیه نظارت خواهد داشت که اعتبارات مصوبه بمصرف محلهای خود برسد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس - آقای بیات

بیات - این قسمت دوم وظیفه ای را که برای خزانه دار معین شده بنده معتقد هستم که اگر رئیس محاسبات داده شود بهتر است بجهت اینکه وصول همانطوریکه نوشته شده بعهده خزانه دار است. وصول و جمع آوری ولی در مخارج بعد از آنکه وزیر يك ورقه درخواست را امضاء کرد بمقیده بنده دیگر شایسته نیست که درش اشکال بشود و بعد نظارت درش بشود. بلکه قبل از این که وزیر امضا کرده باشد باید نظارت در او شده باشد اینجا این حق به خزانه دار داده میشود. آنوقت در صورتیکه ورقه در خواست صادر میشود وزیر هم امضا میکند میرود بدست خزانه دار بعد اگر اشکالی بشود این صلاح نیست. ولی اگر رئیس محاسبات مثلاً امضا بکند آن پیش ازین است که وزیر امضا کرده باشد او تطبیق با قوانین میکند و دفتهای لازمه را بعمل میآورد بعد آن ورقه در خواست میرود بامضای وزیر میرسد و آن وقت که رفت پهلوی خزانه دار او در پرداختش کوناهای نمیکند. ازین نظر بنده معتقدم که باید قسمت دوم را بعهده رئیس محاسبات بگذارند

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - گمان میکنم در شور اول وقتی

این لایحه مطرح بود که آقا تشریف نداشتند نظر آقا گفته شد و بعد از جوابی که داده شد آقایان تقریباً قانع شدند برای اینکه آقا باید فکر بفرمایند که اداره محاسبات نباید نگاه بکنند که درخواستی را که وزیر امضا کرده مطابق با قانون هست یا نیست! این اینقدرها اهمیت ندارد! عقیده بنده و اغلب آقایان این است که آن کسی که پول میدهد او باید نگاه بکند و به بیند که آیا مطابق قانون است و میتواند این پول را بدهد یا نه. حالا محاسبات هم آمد و قبول کرد و برد پهلوی خزانه دار پول گرفت بعد دیدند که این مصوبه مجلس نبوده پس تنها نظر رئیس محاسبات کافی نیست برای این ولی تنها دیدن خزانه دار کافی است و باین جهت چون باینها اختیارات زیاد هم نمیخواهیم بدهیم بآن خزانه دار اختیار میدهیم که او نگاه کند ببیند که آیا مصوبه هست یا نیست. و خواست آقا موافقت بفرمایند بهمین ترتیب که در ماده نوشته شده است باشد.

مخبر - مقصود از این عبارت این است که این نظارت از نظر تفریغ حواله و درخواست نیست این صریح است که باید نظارت کند که مصوبات مجلس به خرجی که تعیین شده است رسیده است یا نه و جایش هم همینجا است که هست.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده نظرم همان بود که آقای شیروانی گفتند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود بماده هفتم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هشتم

(باین مضمون قرائت شد)

ماده هشتم - هیچگونه مخارج مملکتی اعم از نقدی و

استخدام کشوری از اخذ حقوق انتظار خدمت و تقاعد محروم خواهد شد و اگر عمل مأمور یا مستخدم متضمن جرم عمومی شود تعقیب و بر طبق قانون مجازات عمومی محکوم میگردد و هرگاه مأمور یا مستخدم مزبور در تحویل عوائد وصولی خود بجزانه داری کل تقصیر کند به مجازات درجه ۵ یا ۶ مقرر در ماده ۳۸ قانون استخدام محکوم میشود

رئیس - آقای عراقی

عراقی - راجع به خیانتی باینکه خلاف وظیفه رفتار کردن در قانون استخدام نسبت به مأمورین و مستخدمین کشوری تأمین شده و موادی هم دارد. چو این قانون راجع به مستخدمین خارجی است بنده تصور می کنم که نوشتنش اینجا زیاد است. مضافاً اینکه نوشتنش زیاد است يك جور پیچ در پیچ هم شده است. اینجا می نویسد: که بر خلاف مداول این قانون از تحویل عوائد وصولی خود بجزانه داری کل استنکاف کند بحکم محکمه اداری بانفصال دائم از خدمات دولتی محکوم. بنده خیال میکنم که محکمه اداری يك همچو حقی را ندارد که يك نفر مستخدم را حکم انفصال دائمش را بدهد محاکم صالحه که عبارت از محکمه عدلیه باشد بهتر است حالاندره در اینجا نمیخواهم داخل شوم که این حق را دارد یا ندارد ولی اصلاً در اینجا این ماده را زیاد میدانم و این راجع است به ادارات مالیه خودمان و در کنترات مستخدمین خارجی و مستشاران خارجی بنده این ماده را زیاد میدانم

وزیر مالیه - برای تذکر خدمت آقای نماینده محترم عرض می کنم این قانونی تنها قانون کنترات نیست این قانون خزانه داری است زیرا در قانون خزانه داری سابق که يك ماده راجع باین قضیه است بعد از این قانون نسخ خواهد شد باین ملاحظه است که بایستی يك مسأله که مربوط به کنترات مستخدم است در کنترات نوشته شود ولی این مسئله را چون مربوط

به قانون خزانه داری است باید اینجا گذاشت و این ماده مجازات هم خیلی لازم است برداش برای اینکه باین صراحت در قوانین دیگر منظور نشده بود و بعلاوه در قانون استخدام محکمه اداری حق انفصال ابدی از خدمت يك وزارتخانه و خدمت دولت هم داده شده

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای حشمتی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را در ماده ۹ پیشنهاد میکنم ادارات مالیه مکلف هستند که بمؤدیان مالیات پس از پرداخت آخرین قسط مالیات آن سند مفاسای رسمی بدهند

رئیس - آقای حشمتی

حشمتی - عرض کنم آقایانیکه در ولایات تشریف برده اند در نظر دارند که از قبوض موقتی که به مردم داده میشود چه زحمان زیادی برای مردم و مخصوصاً برای خورده مالکین ایجاد میشود مثلاً خورده مالکین را همه آقایان میدانند که يك دهی فرضاً خورده مالک است بکنفر کد خدا برای خودشان معین میکنند تمام مالیات را عایا میدهند به آن کد خدا و آن کد خدا بتدریج به اداره مالیه میپردازد و بتدریج قبض میگردد. فردا این کد خدا معزول میشود يك کد خدای دیگری می آید و از نقطه نظر حب و بغض ولایتی يك مرتبه هزار جور ساخت و ساز و بند و بست با مأمورین مالیه میکنند و مأمور می فرستند نوی خاله فلان رعیت که تو مالیات پارسال با پیرار سال را هنوز نداده ای. قبوضات هم پیش کدخدای قبل است و دست مردم بیچاره چیزی نیست. فقط يك قبض کدخدا در دست مردم است که آنهم رسمیتی ندارد. از این جهت هرروزه اداره مالیه

اسباب زحمت مردم است مفاصا هم يك چیز بدی نیست. چیزی است که همیشه اسباب مالکیت مردم شناخته می‌شده است. حالا بنده پیشنهاد کرده ام آخرین قسط مالیات خودشان را که می‌دهند اداره مالیه مفاصا بآنها پردازد یعنی عوض قبوض غیر رسمی و موقتی مفاصا بآنها پردازد آنوقت هم دولت میدانند که مالیات را تماماً گرفته است هم مردم میدانند که تمام مالیات را پرداخته اند و هم اینکه بعد از آن دیگر کدخدا و مباشرین محل باعتبار قبوض شخصی اسباب درد سر و زحمت مردم را فراهم نمیکنند که بگویند قبض کم شده است و چه شده است و این مفاصا هم يك چیز مهمی نیست. عوض آن قبض يك کاغذ بزرگتر میدهند باسم مفاصا.

رئیس -- آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا (رفیع) - عرض کنم اشکال نماینده محترم را تقریباً اغلب آقایان در نظر دارند. ولی باید فکر بفرمایند که ما يك متخصص میخواهیم بیاوریم برای اینکه اساساً ترتیبات و انتظامات داخلی مالیه را بدهد مثلاً ملاحظه بفرمائید. فورمولهائی که سابق بود ناشایک شکایت میکرد عین شکایت را به محل پیش همان کسیکه از او شکایت شده بود میفرستادند (و هنوز هم این کار باقی است) او هم يك جواب مختصر میداد. حالا ما میخواهیم تمام این کثافت کاری ها را از بین ببریم و میخواهیم با آوردن آن متخصص مالی اینکارها را اصلاح بکنیم و از شر این کثافت کاری های که خلاص شد باینکارها پردازد و این کارها را اصلاح بکند. ما اصلاً نمیخواهیم آن سابقه ها ماند باید هر کس هر قدر مالیات بدهی دارد و میدهد قبض بگیرد بالاخره باید این عیب ها رفع شود. نصفه داده، زیاد داده، کم داده، همه اینها بی ربط بوده و باید از بین برود. خود آقای صدیق میفرمایند که ما داریم اینجا کمترین متخصصین مالی را میبنویسیم. ما نباید دیگر این ترتیبات را اینجا قید کنیم متخصص مالی که آمد خودش مطالعه

شود] علاوه شود [بوسیله محاکم صالحه]

رئیس -- آقای امامی

امامی - بنده تصور میکنم در اینجا بکفدری اشتباه شده است و این قضیه ذکر نشده است. البته وقتی مستخدم باماموری عملش متضمن جرم مهمی باشد طبیعتاً باید بوسیله محاکم صالحه محاکمه بشود در این جا که بطور مطلق نوشته مطابق قانون مجازات عمومی محکوم می‌گردد مثل این است که در محکمه خود وزارت مالیه رسیدگی و تحقیق باید بشود در صورتیکه تصور میکنم نظر کمیسیون هم این نبوده است.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده نظرم این است که اگر آقای امامی توجه بفرمایند بعد مینویسد بموجب قانون مجازات عمومی نظر ما همین است که شما فرمودید مسلم است اولاً محکمه مالیه ابتدا بنده قائل نیستم حالا هم اگر وزارت مالیه يك محکمه درست بکند ابتدا رسمیت ندارد و محکمه باید محکمه عدلیه باشد محکمه رسیدگی میکند و مجازات معین میکند که آن را قانون برایش نوشتیم عدلیه تشکیل دادیم و نظر ما هم همان بوده است و گمان میکنم چون ما در ماده داریم که بر طبق قانون مجازات عمومی محکوم میگردد نظر سرکار تأمین شده باشد که باید به عدلیه برود و گمان می‌کنم نظر این بوده است.

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ اصلاً این ماده خیلی روشن است و اصل قوانین هم در این موضوع خیلی واضح و روشن است برای اینکه دو قسم جرم هست یکی جرائم اداری است که قانون استخدام برایش محکمه اداری قائل شده و يك مجازات هائی که آن مجازات ها در حدود صلاحیت آن محاکم اداری است. از آنجا که تجاوز کرد جرم عمومی که بر طبق قوانین غیر از محاکم عدلیه محکمه دیگری

صالح نیست رسیدگی کند و ما هم نوشته ایم مطابق قانون مجازات عمومی. در اینصورت هیچ جای تکرار نیست امامی - چون نظر بنده توضیح قضیه بود بعد از آن که توضیح شد مسترد میدارم

رئیس -- پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بمضمون آن قرائت شد)

پیشنهاد میکنم قسمت اخیر ماده ۹ بترتیب ذیل اصلاح شود. و هرگاه مأمور با مستخدم مزبور نحو بل عوائد وصولی خود را بجزانیه داری کل عمداً دچار تعویق و تاخیر نماید به مجازات ۵ یا ۶ مقرر در ماده ۳۸ قانون استخدام محکوم میشود

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرض کنم که در قسمت اول قید شده است که اگر مستخدم استنکاف کند در نحو بل عوائد وصولی خود این استنکاف مستلزم مجازات انفصال است و در قسمت آخر نوشته شده است که اگر در نادیده تقصیر کند. بنظر بنده تقصیر اعم است از استنکاف و غیر استنکاف و نقطه نظر آقایان این است که يك عملی که از حیث شدت بدرجه استنکاف نباشد از او سر بزند پس این باید توضیح شود که هرگاه مأمور عوائد خود را بواسطه مسامحه عمدی بتعویق و تاخیر بیندازد این مجازات در حق او اجرا شود و چون تقصیر تنها کافی نیست باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم

وزیر مالیه - دو مرتبه قرائت شود

(بشرح سابق خوانده شد)

وزیر مالیه - همینطوری که اینجا توضیح دادند ما سه قسمت قائل شده ایم یکی استنکاف استنکاف البته مأمور متمرد باغی که ما نداریم که استنکاف بکند استنکاف در مواردی می‌آید که اختلاس شده چون اختلاس شده بيك بهانه هائی میخواهد استنکاف کند و این ها خودش يك نوع استنکافی است و الا ما

يك ماموری سراغ نداریم که بگوید من مالیه دولت را می گیرم و نمیخواهم بدمم اگر هم پیدا شد مشمول این قانون هم میشود. جرم عمومی هم که نتیجه اختلاس است تکلیفش معلوم شد. ماند يك صورت نائی که يك ماموری تعهد کرده باشد یا ن میبالات شدید کرده باشد و دستورات اداری را رفتار نکرده باشد و در مواقع خودش بدون اینکه مواعظ طبیعی پیش بیاید (یعنی مواعظی که نتواند از آن جلوگیری بکند پیش نیامده باشد) اجرا و انجام وظیفه نکرده باشد آن را ما کفایتیم تقصیر. و در اینجا نوشتیم تقصیر دارد اگر مثل آن عبارت سابق نوشته بودیم «مسامحه» خیلی کش داشت اگر نوشته بودیم قصور صحیح نبود. تقصیر نوشتیم که همین فکری را که آقای شریعت زاده دارند خواستیم اینجا ادا کنیم یعنی کسی متعمدا در يك موقعی از اجراء وظیفه و فرستادن وجه خودداری کند حالا اگر آن عبارت را آقایان از این واضحت میدانند بنده شخصاً حرفی ندارم چون در نظر بنده این عبارت و آن عبارت هر دو يك معنی دارد حالا اگر آقای مخبر و اعضاء کمیسیون آن عبارت را خوشتر دارند بنده حرفی ندارم و الا همین طور که نوشته شده باشد

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای شریعت زاده آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رای میگیریم به ماده نه آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده سیزدهم [شرح ذیل خوانده شد]

ماده ۱۳ - مستخدمین مذکور در ماده اول این قانون مسؤل وزیر مالیه بوده و باید در ایفاء وظایف خود کلیه تعلیمات قانونی مشار الیه را اطاعت نمایند

نحوه نظر نمایندگان ملت واقع شد این مسئله را حس کردند که برای اصلاحات جدید باید از اشخاص کار آزموده که هم مزایای علمی داشته باشند و هم در عمل تجربه و تخصص داشته باشند استعانت بچوبنده لکن این مسئله توسل باشخاص ماهر در فن نا وقتی که در مقام وجود ذهنی و از فرضیات علمی بوده همیشه قابل تمجید بود همینکه بنای عمل میشد تا بحال طوری شده است که آن انتظارات و توقعات کاملاً بعمل نیامده و علت هم این بود که در ابتدای امر در اول دفعه در موقعی که مسیو بیزو را اینجا خواستیم (که يك شخصی خیلی متبحر و عالم و متخصص بود و واقعا شخص با وجدان و با حیثیتی بود در کار خودش) بعد از يك مدتی فقط یکی دو سه فقره لایحه داد و رفت گفته شد که چون اختیاراتی نداشته است از وجود او استفاده هائی که باید بکنیم نشد. بعد از آن که متخصصین امریکائی آمدند این دفعه جنبه افراط را پیش گرفتیم و بقدری اختیارات بآنها دادیم که تمام قوای مملکت را در مقابل اختیارات آنها فلج کردیم. بعنوان کنترل و نظارت در مخارج يك اختیارات بی حد و حصری بآنها دادند که در تمام امور مداخله کردند و هیچ اداره ای را نمیگذاشتند در جریان طبیعی خودش باشد. البته خوب نبود و بنده هم هیچوقت موافق نبودم که تا این درجه کنترل و نظارت مخصوصاً در ناحیه مملکت به مستخدمین خارجی داده شود. بالاخره نتیجه این عمل را هم دیدیم زیرا کنترل بدست اشخاصی داده می شد که خود آنها صاحب جمع بودند در سایر ادارات آن اندازه که قدرت داشتند نظارت میکردند در صورتیکه وجوه عمومی که در دست خودشان بود بدون هیچ نظارتی خرج میشد. و بعد از یکمدت مدیدی چند سال که گذشت ما ملتفت شدیم که مخارج بیپوده بدون تصویب مقامات لازمه کرده اند و هیچ حسابی هم در کار نبود. مسئله ارزاق و غیره همه شاهد

مثال است آقایان خوب اطلاع دارند. و حال آنکه کسی که پول در دست اوست او نباید کنترل بکند. کنترل باید بایک مقامی باشد که علاوه برداشتن استقلال و رسمیت بهیچوجه در وجوه عمومی است نداشته باشد و آن اشخاص که وجوه عمومی در دست آنها است بدون تصویب آن مقام نتوانند هیچگونه خرجی بکنند متأسفانه در این مدت این دو اختیار جمع شده بود در دست اشخاص معین یعنی در هیئت مستشاران خارجی و هر جور میخواستند میکردند. بعد از مستشاران امریکائی حقیقه اختیارات آنها بر رئیس کل مالیه داده شد ولی البته این اختیارات محدود است به ورود مستشاران جدید. مستشاران جدید که آمدند عنوان کنترل بکلی از بین میرود در این لایحه بطور کلی حق کنترل بآنها نیست و نباید هم باشد بهمان دلائلی که عرض کردم اما اثبات شئی نفی ما عدی نمیکند. اگر سابقاً بدر رفتار کرده اند یا اینکه کنترل نباید دست آنها باشد این دلیل نیست که اساساً کنترل نباید باشد. و نظارت عالی در جمع و خرج مملکت حتماً لازم است ولی با کیست؟ این قدرت فقط با مجلس شورای ملی است زیرا که کنترل بدست هر کس و هر قوه باشد آن قوه ایست که در تمام امور مملکت باید نظارت داشته باشد و این قدرت جزو در دست مجلس شورای ملی در دست کسی دیگر نمی تواند باشد. مسیو بیزو دو لایحه که در ابتدا پیشنهاد کرد در نتیجه مطالعه کامل در امور مالی و در نتیجه اطلاعات کامل شخص خود او بود و حقیقه هم راه اصلاح مالیه از همین دونا شروع شد اول قانون محاسبات عمومی که طرز وصول و جمع آوری و نگاهداشتن محاسبه و پرداخت مطابق يك اصول مدون و منسجمی در تمام مملکت جاری شود دوم پرداخت که در تحت يك نظارت قطعی واقع شود و مجلس شورای ملی کاملاً در آن نظر داشته باشد باینکه است مجلس شورای ملی مستقیماً که نمی تواند در وجوه عمومی نظارت کند بنا

بودند جز تفریغ بود چه اینها لایحه تفریغ بود چه لایحه تفریغ بود چه لایحه است که مجلس شورای ملی را باید از تمام جریانات عمل در دوره مالی مستحضر کند و تمام اسناد خرج را باید یکی یکی صورت بدهد که مجلس به بیند و نظارت کند نظارت مجلس یکی از راه تصویب بودجه است یکی هم از راه کنترل بودجه بنده نمیدانم دلیل اینکه دولت در تشکیل دیوان محاسبات مسامحه می کند چیست؟ مخصوصاً شخص آقای وزیر مالیه که مدتی در مجلس تشریف داشتند و بنده هم افتخار همکاری ایشان را داشتم در مجلس شورای ملی همیشه که با هم مذاکره می کردیم یکی از اصلاحاتی که ایشان در نظر داشته و لازم می دانستند مسئله تشکیل دیوان محاسبات بود و شاید مرقومات ایشان هم الان پیش بنده هست راجع به تشکیل دیوان محاسبات رای اینکه مجلس شورای ملی نظارت کامل و واقعی در جمع و خرج مملکت بکند و یقین دارم که ایشان هنوز هم تغییر عقیده نداده اند یعنی خیلی میل دارند که مجلس شورای ملی یک همچو اختیار و حقی را در موقع عمل بتواند اجرا کند ولی چه شده است که تا کنون اقدام باین امر نکرده اند؟ نمیدانم یک مرتبه یکی از آقایان در ضمن مذاکرات میفرمودند شاید اشخاص کافی بقدری که برای این کار لازم داریم وجود نداشته باشند ولی بنده عرض میکنم که بقدر دیوان محاسبات اشخاصی پیدا میشوند که بتوانند این کار را بکنند. این خیلی لازم و واجب است

اساس حکومت ملی و تشکیلات اداری و جریانات قوانین مملکت یک تأسیساتی دارد که لازم است باشد منجمله یکی از آنها شورای دولتی است که از هر چیز لازمتر است در مملکت. برای تهیه لوایح و نظام نامها و قوانین یکی هم همین دیوان محاسبات است برای اجرای کنترل واقعی در امور مالی مملکت حالا که این لایحه تصویب میشود و بسلامتی آقایان مستشارها وارد می شوند و مطابق اختیاراتی که از برای آنها معین شده است عمل

این دیوان محاسبات را معین کرده بودند که از طرف مجلس شورای ملی انتخاب شود و مستقلاً بتواند در جریان امور مالیه نظارت کند صاحبان جمع و اشخاصی را که وجوه عمومی در دسترس شان است آنها را محاسبه کند اجرای قوانینی که مستلزم ازدیاد و تغییراتی که در وجوه عمومی می شود تمام را نظارت کند ملاحظه کنید این قانونی که عرض کردم تمام این قسمت ها را در بر دارد اگر چه بعضی اوقات گفته میشود که این قانون غیر عملی است ولی بعقیده بنده این قانون خیلی عملی است زیرا در آن کمیسیون که نوشته شد خیلی دقت شد آن کمیسیون در تحت ریاست حضرت آقای پیرنیا رئیس مجلس حالا بود آقای ارباب کیخسرو و سایر آقایان محترم هم بودند خود بنده هم مخبر آن کمیسیون بودم با حضور مسیو بیزو چندین ماه مشغول مطالعه بودیم در تحت نظر و تجارب آن شخص عالم در امور مالی مملکت خلاصه آنچه که نوشته شده بود تمام مطابق احتیاجات و مقتضیات امروزه بود بر فرض یکی دو ماده آن هم امروز غیر عملی بنظر بیاید دلیل نمیشود که بکلی یک قانون محکمی را ما کنار بگذاریم باید آن قانون را بموقع عمل گذاشت و استفاده کرد. گاهی در ضمن مذاکرات اظهار میکنند که لایحه تفریغ بودجه خواهند آورد ولی لایحه تفریغ بودجه که کنترل نیست بلکه نتیجه کنترل است بعد از آنکه دو سال دوره عمل جمع و خرج مملکت در تحت کنترل یک هیئت رسمی بود نتیجه او را راپرت میدهند و بشکل یک لایحه تفریغ بودجه در می آید و بمجلس تقدیم میشود. هنوز در وزارت مالیه گمان می کنم شاید صورت نوشتن لایحه تفریغ بودجه را هم ندانند. که چیست چون هیچ معمول نبوده است و دو سال قبل با داشتن مستشاران عالی مقام ملاحظه فرمودند آقایان یک لایحه بعنوان لایحه تفریغ بودجه بمجلس آمد ولی همه چیز شبیه بود جز بلایحه تفریغ بودجه همه چیز را در آن قید کرده

رئیس -- رای گرفته می شود باین لایحه یا قیام و قعود

باسائی - با ورقه باید باشد چون جنبه مالی دارد کازرون - خیر ندارد.

رئیس -- خیلی خوب احتیاط رای گرفته میشود با اوراق آقبانیکه تصویب میکنند اوراق سفید خواهند داد (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده و از ۱۰۱ نفر نمایندگان حاضر ۸۳ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس -- عده حاضر ۱۰۱ با هشتاد و سه رای تصویب شد اسامی رای دهندگان

آقبان. دولتشاهی - طاهری - نکهبان - حاج میرزا حبیب الله امین - غلامحسین میرزا مسعود - افشار - حشمتی - سلطان محمد خان عامری - سید کاظم بزدی - فهیمی - میرزا عبدالحسین - سید ابراهیم ضیاء - سید حسن تقی زاده - سید جواد محقق - ذوالقدر - دکتر رفیع خان امین - افخمی - مهدوی - محمد تقیخان اسعد فرشی - میرزا حسن آبه الله زاده خراسانی - ارباب کیخسرو شاهرخ - لبقوان - افسر - مولوی - معظمی وزیري - میرزا عبدالله خانب و ثوق - آقا علی زارع - اسکند خان مقدم - محمدولی میرزا - نابت - امیر اسدالله خان عامری - نصره الله خان اسکندری - مفتی - میر ممتاز - جهانشاهی - طباطبائی و کبلی - ساکینیان - اعتبار شریعت زاده - ابراهیمی - جمشیدی مازندرانی - ملک آرائی - ملک ابرج پور تیمور - فومنی - عدل - اسفندیاری مرتضی قلبیخان بیات - جلالی - محمدآخوند - ملک مدنی - میرزا حسن آقا زاده سبزواری - سید حسین آقبان - ثقة الاسلام بروجردی - سید یعقوب - حاج میرزا مرتضی امام جمعه امر - ثقة الاسلامی - باسائی - عباس میرزا موقر - ابلخان - امیر تیمور کللی - فرمند - بهبهانی عمادی - خطیبی - طباطبائی دبیا - حاج آقا رضا رفیع زوار - خواجوی - دهستانی - حیدری - امام جمعه شیراز

می کنند واقماً برای نظارت در جمع و خرج مملکت از طرف مجلس آقبان در هیئت وزراء چه در نظری میگیرند؟ زیرا تصدیق بفرمائید این نظارت دیگر منسوخ خواهد شد و دیگر کسی حق کنترل در دخل و خرج مملکت را نخواهد داشت اگر يك فكر دیگری از برای این کار کرده اند البته میفرمایند و مجلس را مستحضر میکنند. بنده استدعا میکنم توجه بفرمایند و يك مطالعات بیشتری بفرمایند شاید با بودن قانون دیوان محاسبات که از مجلس شورای ملی گذشته است آقای وزیر مالیه دقتی بفرمایند و حالا که چندین سال از عمر مشروطیت می گذرد آزا بموقع اجرا بگذارند و این خود يك چیزی است که از خودشان بیادکار خواهند گذاشت.

وزیر مالیه - تذکرات نماینده محترم خیلی بجا و موقع است البته چون وقت هم خیلی تنگ است بنده بطور خیلی خلاصه میخواهم خدمت شان عرض کنم: اولاً اینکه میفرمایند که این کنترل مالی منسوخ شده است. نامنسوخ میشود يك همچو چیزی را بنده این جا نمی بینم. چون آن کنترل که راجع بجمع و خرج باید باشد يك وظایفی را قانون محاسبات عمومی برای وزارت مالیه روز مالیه معین کرده است و آن بجای خودش است بعلاوه برای خزانه دار در این قانون وظایفی معین شده و او مواظب است که در خرج نظارت کند و به بیند که آیا بمصرف خودش میرسد یا نه؟ و راجع بدیوان محاسبات هم همانطور که آقا خودشان فرمودند علت اینکه تا بحال متأسفانه این قسمت انجام نشده است بواسطه يك مشکلاتی بوده است که در عمل دیده بودند و تصور میکردند که این قانون يك اصلاحی لازم دارد و این اصلاح را هم آنطور که بنده بنظر خودم میرسد حاضر کرده بودم و میخواستم بیارم بمجلس ولی چون متخصص مالی می آید البته آقایان هم موافق هستند و صلاح هم در این است که این متخصص عالی مقام بیاید و با توافق نظر او این لایحه را تنظیم کنیم که يك اصلاح عملی شده باشد

احتمش زاده - دکتر سنك - نجومی - فرمند - عراقی
شیرانی - بدر

رئیس - لایحه راجع باضافات وزارت پست و تلگراف
مطرح است در کلیات مخانی هست
(گفتند - خبر)

رئیس - رأی میگیریم برای ورود در شور مواد آقاییه
موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول

(اینقسم قرائت شد)

مجلس شورای ملی اجازه میدهد اعتباراتی که برای
مخارج غیر ثابت وزارتخانهها در سنه ۱۳۰۵ در ضمن
قوانین اعتبارات اضافی سنه ۱۳۰۵ تصویب شده تا آخر
سنه ۱۳۰۶ بمصرف برسد و در بودجه ۱۳۰۶ در
وزارتخانههای مزبوطه منظور گردد

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرض میکنم مخالفت من برای
این است که الان سال گذشته است تقریباً یکماه از سال
باقیمانده است این اعتبار را که الان تصویب میکنید
در این یکماه که موقع ندارد بمصرف برسانند و بمصرف
شاید نرسد بعد در سال بعد يك همچو مطلبی میترسم باز
پیش بیاید از اینجهت بنده با این لایحه مخالف هستم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم که گمان میکنم آقای فیروز آبادی
کاملاً مسبوق نباشند لایحه اضافات قبلاً تصویب شده است
و يك مبلغی هم برای وزارت پست و تلگراف بعنوان اضافات

در این ماده اوشته شده است که اضافاتی که مطابق آن
لوايح علیحده تصویب شده برای وزارت پست و تلگراف
با فوائده عامه یا خارجه یا داخله یا عدلیه (چون هر
يك از این وزارتخانهها يك لایحه اضافی داشتند)
در صورتیکه اضافات وقتی در کمیسیون بودجه تحت نظر
در آمد موارد مختلفه داشت بعضی از آنها بود که دولت
اداره یا دایره را میخواست تأسیس کند و کمیسیون
اصلاً مصلحت ندانست یا دوات بعد صلاح ندانست و محتاج
البهش آمد در هر حال بنده خواستم در این جا آقای
وزیر مالیه یا مخبر محترم این را توضیح بدهند چونکه
این ماده برسبیل اطلاق است یعنی تمام آن اضافاتی که در آن
لوايح اضافی تصویب شده می خواهند حالا که سنه مالی
تمام شده است در سنه ۱۳۰۷ بمصرف برسانند این
یعنی چه؟ در صورتیکه بعضی از مؤسسات هست که برای
آن ادارات و مؤسساتی است که باقی است و بعلاوه
راجع بآن چیز هائی است که دولت تعهد کرده است و
محتاج است آنها داده شود ولی نه آن چیز هائی که
اصلاً موضوعش از بین رفته است خوب این قسمت توضیح
داده شود آنوقت ممکن است بنده پیشنهاد خودم را مسترد بدارم
وزیر مالیه - این توضیحی که آقای آقا سید یعقوب
دادند البته در مورد خودش کاملاً صحیح است یعنی چه
یعنی در آن موقعی که این لوايح تقدیم شده است يك
مؤسساتی شاید در نظر بوده است که بعد تأسیس نشده
است حالاً لازم نیست تأسیس شود و این مخارج دو قسم
است یکی تعهد شده است و یکی تعهد نشده است که باید
در آئینه تعهد شود آن قسمتهائی که تعهد شده است برای
آن قسمتهائی قبلی است که مجلس تصویب کرده است
چون این عبارات را مجلس تصویب کرده ولی چون سنه
مالی تمام شده است محتاج به تجدید تصویب است پس
در آن مدتی که مصوب بوده است و دولت نوانسته است
تعهد بکند يك قسمتهائیش تعهد شده است. ولی در آن
قسمتهائیش که تعهد نشده است مسلم است که وزارت مالیه

نهایت مواظبت و دقت را خواهد داشت که وزارتخانهها
تعهد غیر لازم و غیر ضروری نکنند این يك وظیفه است
که همیشه هم خود وزارت مالیه انجام خواهد داد و هم خود
وزارت خانهها البته در نظر خواهند گرفت حالا اگر
آقای آقا سید یعقوب این فکر و نظرشان را میخواهند
نامین کنند این عبارتیکه نوشته اند خوب نیست
و همانطور که عرض کردم مخارج تعهد نشده از طرف
وزارتخانهها بدون تصویب وزارت مالیه نخواهد شد این يك
مطلبی است که هست و بدون تصویب وزارت مالیه تعهدی
نخواهد شد. و عملاً اینطور هست و بنده هم باز این
را تذکر خواهم داد وزارتخانهها که این کار را نکنند
ولی اگر بخواهید باین فکر زديك شوبد این پیشنهادتان
کافی نخواهد بود و خوب است همین توضیح را اتخاذ سند
کنید و مسترد دارید

آقا سید یعقوب - بنده نظرم تأمین این قسمت بود که

وزارتخانهها باین ماده مطلق نزنند سر آن لایحه اضافی

بزرگ شان خبر بلکه همان چیزی را که تعهد کرده اند
خرج کنند حالا اگر توضیح آقای وزیر مالیه کفایت
میکند و در صورت مجلس هم ثبت میشود بنده استرداد
میکم مقصود بنده تأمین مطلب بود.

رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار

(اینقسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول سطر سوم بطریق

ذیل اصلاح شود:

تصویب شده تا آخر سال مالی ۱۳۰۶ بمصرف برسد.

اعتبار - در ماده مینویسد که مجلس شورای ملی

اجازه میدهد اعتباراتی که برای مخارج غیر ثابت وزارت
خانهها در سنه ۱۳۰۵ در ضمن قوانین اعتبارات اضافی
سنه ۱۳۰۵ تصویب شده تا آخر سنه ۱۳۰۶... باید
نوشته شود تا آخر سنه مالی ۱۳۰۶ و الا تا آخر سنه
۱۳۰۶ يك ماه بیشتر باقی نمانده است در صورتیکه نظر
دولت باین يك ماه نیست و نظر دولت تا آخر سنه مالی

است و آخر اسننه مالی هم خرداد است و حالا ممکن است در ماده این قسمت را ذکر کنند که تا آخر سنه مالی که يك اشکالی تولید نشود و اگر تصریح کنند بهتر است.

مخبر - عرض کنم که در نتیجه آن تذکر آقای فیروز آبادی آقای وزیر مالیه و وزیر پست و تلگراف موافقت کردند که يك جمله اضافه شود که این اعتبارات هر چه اش در ۱۳۰۶ بمصرف نرسیده اجازه داشته باشند که در ۱۳۰۷ بمصرف برسانند بنا بر این اساساً پیشنهاد حضرتعالی خوب است ولی آن پیشنهادی که شده و حالا قرائت میشود رفع اشکال حضرتعالی را میکند

یاسائی - نه خیر این برخلاف قانون محاسبات است مدرس - صحیح است

رئیس - پیشنهادی که آقای مخبر کرده اند و باید ضمیمه شود باخر ماده قرائت می شود.
(این قسم قرائت شد)

در آخر ماده اضافه شود: در صورتیکه اعتبارات مزبور در دوره سنه مالی بمصرف نرسیده باشد وزارت مالیه مجاز است که بقیه آن را در ۱۳۰۷ بپردازد مدرس - تا بودجه ۱۳۰۷ نیامده است این کار را نمیشود کرد

رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار دیگر موضوعی ندارد اعتبار - چرا بنده تصور میکنم که این اشکال قانونی داشته باشد با قانون محاسبات عمومی ولی آن پیشنهادی که بنده کردم بهتر است و نظر آقایان را بهتر تأمین می کند

مخبر - عرض کنم که پیشنهاد ایشان این نظر را تأمین نمیکند چون مدت کافی نیست برای صرف کردن و سیم کشی وقتی شروع شد ما چه میدانیم که کی تمام میشود و بعلاوه مطابق سوابقی که این جا هست ما چندین لایحه مالی این جا تصویب کردیم که در سنه ۱۳۰۷ باید مصرف کنند و اینهم که میفرمایند متناقض با قانون

محاسبات عمومی است این طور نیست برای اینکه مجلس شورای ملی اجازه میدهد که يك اعتباری را در سنه مالی دیگر مصرف نمایند و گمان نمیکند مخالفتی با قانون محاسبات عمومی داشته باشند و سوابق هم خیلی دارد

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای اعتبارآقایی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد
وزیر مالیه - چون پیشنهاد آقای اعتبار رد شد بنده باید توضیح بدهم که این عین قانون محاسبات عمومی است سنه مالی آخر سنه ۱۳۰۶ که نیست و در اول فروردین خاتمه پیدا نمیکند.

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی
(بشرح آتی قرائت شد)
بنده پیشنهاد می کنم که مذاکره در این لایحه مانند تا جلسه آتی
جمعی از نمایندگان - خیر، خیر.

فیروز آبادی - بنده بملاحظه اینکه غالب آقایان با خود بنده خوب مطالعه نکردیم در این لایحه و اطلاع کامل از وضعیاتش نداریم و احتمال داده میشود که اگر حالا يك رائی بدون مطالعه داده شود فردا برای دولت اسباب زحمت و اشکال بشود باین جهت بنده پیشنهاد کردم این لایحه مانند برای پس فردا در اطرافش يك مطالعات کاملی بشود و دولت هم نظریات خودش را اتخاذ کند و از روی بصیرت رای داده شود ولی حالا یکی میگوید خلاف قانون است یکی میگوید نیست و معلوم هم نیست که کدام یکی درست است و باین فوریت هم نمیشود تشخیص آن را داد باین ملاحظاتی بنده این پیشنهاد را کردم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم اگر آقای فیروز

آبادی هم موافقت بفرمایید بهتر باشد چون در کمیسیون این مطلب کاملاً بحث شده است که در اینجا هم از صحبتهایی که شد مطلب معلوم شده است و راجع باین مذاکرات هم که شد حالا آقای وزیر مالیه و مخبر يك پیشنهادی میکنند و مطلب واضح میشود خوبست پیشنهادتان را مسترد بفرمایید

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی که تصویب میکنند قیام فرمایند
(دوسه نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد
وزیر مالیه - این نظریه که آقایان اظهار کردند البته چون این لوایح اضافی مربوط به حقوق و ادارات و تاسیسات هم میشود صحیح است نظری که بنده و آقای مخبر داشتیم از این اصلاح مربوط بمخارج بود چون این لوایح يك مخارجی هم دارد مخارج يك دفعه مثل سیم کشی و يك قسمت هائی هم است که مربوط و مخصوص است بمحقوق و تاسیسات و ادارات البته این قسمت هائی که مربوط بمحقوق و تاسیسات و ادارات است نمیشود از این سال بان سال مانند و مخلوط شود با بودجه ۱۳۰۷ و تا بودجه ۱۳۰۷ نیامده است نمیشود درس مذاکره کرد بعلاوه آنچه هم که تعهد نشده است بنده هم اصلاً تصویب نخواهم کرد که بعد از این تعهد بشود چون بودجه ۱۳۰۷ حاضر است ولی آن قسمتی که راجع بمخارج است و بکد دفعه باید بشود و تصویب هم شده است از قبیل مخارج سیم کشی و خرید اسباب و آلات لازمه از آلمان و غیره که مدت گذشت و از سنه مالی گذشته خوب است آقایان موافقت بفرمایند که این اجازه اجازه کلی باید باشد که دست دولت و وزارتخانه مربوطه باز باشد چون ممکن است يك قسمتش را که خریده اند و حاضر است همین طور بماند و بقیه هم در حین عمل بماند و از سنه مالی بگذرد و باز محتاج اجازه ثانوی بشود در هر صورت يك اصلاحی مجدداً در ماده شده است

رئیس - تصویب نشد
وزیر مالیه - این نظریه که آقایان اظهار کردند البته چون این لوایح اضافی مربوط به حقوق و ادارات و تاسیسات هم میشود صحیح است نظری که بنده و آقای مخبر داشتیم از این اصلاح مربوط بمخارج بود چون این لوایح يك مخارجی هم دارد مخارج يك دفعه مثل سیم کشی و يك قسمت هائی هم است که مربوط و مخصوص است بمحقوق و تاسیسات و ادارات البته این قسمت هائی که مربوط بمحقوق و تاسیسات و ادارات است نمیشود از این سال بان سال مانند و مخلوط شود با بودجه ۱۳۰۷ و تا بودجه ۱۳۰۷ نیامده است نمیشود درس مذاکره کرد بعلاوه آنچه هم که تعهد نشده است بنده هم اصلاً تصویب نخواهم کرد که بعد از این تعهد بشود چون بودجه ۱۳۰۷ حاضر است ولی آن قسمتی که راجع بمخارج است و بکد دفعه باید بشود و تصویب هم شده است از قبیل مخارج سیم کشی و خرید اسباب و آلات لازمه از آلمان و غیره که مدت گذشت و از سنه مالی گذشته خوب است آقایان موافقت بفرمایند که این اجازه اجازه کلی باید باشد که دست دولت و وزارتخانه مربوطه باز باشد چون ممکن است يك قسمتش را که خریده اند و حاضر است همین طور بماند و بقیه هم در حین عمل بماند و از سنه مالی بگذرد و باز محتاج اجازه ثانوی بشود در هر صورت يك اصلاحی مجدداً در ماده شده است

رئیس - این پیشنهاد از کیست؟
رئیس - پیشنهاد کمیسیون است. حالا اگر پیشنهادی دارید بفرمایید قرائت بشود
پیشنهاد آقای ضیاء

(بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میشود که جمله اخیر ماده اول لایحه اضافات بترتیب ذیل اصلاح شود
ضیاء - اصلاح جدید نظر بنده را تأمین کرد و مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای فهمی
(این قسم قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که سطر آخر لایحه بترتیب ذیل نوشته شود.

تصویب شده است در دوره عمل ۱۳۰۶ نیز در بودجه وزارتخانههای مربوطه منظور گردیده و بمصرف برسد
وزیر مالیه - يك مرتبه دیگر قرائت شود
(بشرح فوق قرائت شد)

فهمی - مقصود از این پیشنهاد این است که يك مخارجی در يك سنه مالی منظور میشود در بودجه و سنه مالی هم عبارت است از اول فروردین يك

فهمی - مقصود از این پیشنهاد این است که يك مخارجی در يك سنه مالی منظور میشود در بودجه و سنه مالی هم عبارت است از اول فروردین يك

فهمی - مقصود از این پیشنهاد این است که يك مخارجی در يك سنه مالی منظور میشود در بودجه و سنه مالی هم عبارت است از اول فروردین يك

فهمی - مقصود از این پیشنهاد این است که يك مخارجی در يك سنه مالی منظور میشود در بودجه و سنه مالی هم عبارت است از اول فروردین يك

فهمی - مقصود از این پیشنهاد این است که يك مخارجی در يك سنه مالی منظور میشود در بودجه و سنه مالی هم عبارت است از اول فروردین يك

فهمی - مقصود از این پیشنهاد این است که يك مخارجی در يك سنه مالی منظور میشود در بودجه و سنه مالی هم عبارت است از اول فروردین يك

قانون

اجازه استخدام چهار نفر متخصصین مالی از سویس و آلمان

مصوب ۲۶ بهمن ماه ۱۳۰۶

ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اختیار میدهد که متخصصین خارجی ذیل را برای مدت دو سال استخدام نماید

- ۱ - يك نفر متخصص عالیمقام مالی و اقتصادی از اتباع آلمان
- ۲ - برای ریاست خزانه داری کل از سویس
- ۳ - اداره محاسبات کل از سویس
- ۴ - تفتیش از آلمان

ماده دوم - مجلس شورای ملی بدولت برای حقوق و مخارج سالیانه متخصصین مزبور تا میزان شصت هزار تومان اعتبار میدهد بعلاوه دولت مجاز است با منزل و اثاثیه مناسبی برای آنها تهیه و یا معادل صدی پانزده حقوق هر کدام را برای تهیه منزل و اثاثیه بآنها بپردازد

ماده سوم - وظایف متخصص عالیمقام مالی و اقتصادی بقرار ذیل خواهد بود:

- ۱ - قسمت اقتصادی
- ۱ - مطالعه در اوضاع اقتصادی و وسائل بهبودی آن
- ب - تهیه پروگرام اقتصادی مبتنی بر اساس محکم مالی برای استفاده از منابع ثروت مملکت بتوسط افراد مردم و دولت

ج - تهیه لوایح قانونی و دستورات مربوطه بآنها برای ازدیاد ثروت عمومی مخصوصاً توسعه منظم امور تجاری و فلاحی و صنعتی و وسائل ارتباطیه مملکتی.

د - مطالعه در امتیازات موجوده و تهیه شرایط عمومی امتیازاتی که در آئیه ممکن است داده شود و دادن رای مشورتی در امتیازات و تمهیدات مالی خارجی دولت قبل از تقدیم لوایح مربوطه آنها بمجلس شورای ملی

۲ - قسمت مالی

- ۱ - مطالعه در اوضاع مالی مملکت و تعیین يك پروگرام مالی که مستلزم تکثیر عایدات قانونی و تسهیل جمع آوری و آسایش مؤدیان و جلوگیری از تفریط عایدات و نظارت در مخارج بوده و مطالعه در قوانین و نظامنامه های موجوده و تهیه لوایح لازمه برای تامین حسن جریان امور مالی و تنظیم لوایح مخصوص برای متحد الشکل ساختن قوانین مالی مملکت

ب - مطالعه در احتیاجات مالی مملکت از نقطه نظر اصلاحات

ج - مطالعه در منابع عایدات موجوده و عوائدیکه ممکن است قانوناً وضع شود و تهیه پیشنهادات لازمه در جرح و تعدیل و استقرار آنها

د - معاضدت با وزیر مالیه در تهیه لایحه بودجه مملکتی

تبصره - وزیر مالیه نظریات خود را در مورد پیشنهادات متخصص مالی و اقتصادی که بر طبق وظایف

سال تا آخر دوره عمل یعنی تا آخر سال بعد و این يك مدت معینی است برای حق تشخیص و حواله دادن و يك مدت معینی هم هست برای پرداخت و این را دوره عمل میگویند و اگر دوره عمل ذکر کنیم تمام این ملاحظات بعمل آمده است و رفع اشکالی را هم که تصور میشد میکند

مخبر - يك مرتبه دیگر قرائت شود
(بشرح سابق قرائت شد)

فهیمی - يك مرتبه ماده را با این جمله بخوانند
(مجدداً پیشنهاد قرائت شد)

مخبر - این را نمیشود قبول کرد يك پولی را مجلس تصویب کرده است برای سیم کشیهای مملکت و يك مقدارش تا کفون خرج شده و يك مقدارش هم ممکن است تا آخر این سال خرج شود يك مقدارش هم ممکن است در سنه آئیه خرج شود ولی این پیشنهاد را ما اگر تصویب کنیم اینطور میشود که آن مقداری را که در سنه ۱۳۰۶ خرج میشود خرج کنند ولی برای سال ۱۳۰۷ اگر کارشان تا تمام ماند نتوانند خرج کنند و سیم کشی همینطور در وسط بیابان میماند و باز محتاج تصویب میشود بنا براین ما میخواهیم بدون اجازه مجلس شورای ملی هم این پول را خرج نکرده باشند و ما اجازه بدهیم که تا موقع ختم کارشان اجازه داشته باشند این خرج را بکنند و سیم کشیها را بکنند که ناقص نماند ولی این پیشنهاد اینمقصود را نمی رساند

رئیس - رای گرفته میشود.

وزیر مالیه - اینجا آقای فهیمی يك موضوعی را به بنده گفتند که اگر آن مقصودشان را عبارت نامین نکنند باید عبارت را اصلاح کرد ولی اگر مقصودشان را میسرسانند هیچ مقصودشان از این پیشنهاد نیست که مجلس شورای ملی اجازه بدهد که در بودجه ۱۳۰۶ بمصرف برسد تا آخر دوره عمل تا هر وقت که میخواهد باشد و این صحیح است مقصود ما هم همین است یعنی امروز که ما آمدیم مخارج غیر نایبه را که در مجلس تصویب شد که ما در بودجه ۱۳۰۶

مدرس - باماده
وزیر مالیه - بلی بلی باماده
(این قسم قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی اجازه میدهد اعتباراتی که برای مخارج غیر نایبه و زارنخانیها در سنه ۱۳۰۵ در ضمن قوانین اعتبارات اضافی سنه ۱۳۰۵ تصویب شده است در دوره عمل ۱۳۰۶ نیز در بودجه و زارنخانیهای مربوطه منظور گردد مرتضی قلیخان بیات - بنده يك پیشنهاد کرده ام اجازه بفرمائید قرائت شود چون مقدم است

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(این قسم قرائت شد)

پیشنهاد میکنم این لایحه بکمیسون ارجاع شود و نایباً مطرح شود.

رئیس - پیشنهاد آقای بیات

(این قسم خوانند)

بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود و لایحه در دستور جلسه بعد در درجه اول جزو دستور شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

مرتضی قلیخان بیات - نظری در این ماده پیدا شده است که عجالتاً کان می کنم نشود حل کرد و ممکن است در مجلس بيك صورتی بگذرد و بعد اسباب اشکال بشود و باز بیاید بمجلس برای اصلاح و مدتی صرف وقت کند این است که بنده پیشنهاد کرده ام جلسه فعلاً ختم شود و این لایحه در خارج مرتب شود و جزو دستور جلسه آئیه شود در اول دستور.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - جلسه ختم میشود

(مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)

در قسمت ۱ و ۲ میدهد در مدتی که متجاوز از یکماه باشد اظهار خواهد داشت و در صورت عدم توافق وزیر مالیه مکلف است که در ظرف یکمفتره نظریات و دلائل خود و متخصص مزبور را در هیئت وزراء مطرح نماید هیئت وزراء پس از خواستن توضیحات لازمه از متخصص مزبور تصمیم قطعی را اتخاذ خواهد کرد.

ماده چهارم - متخصص مالی و اقتصادی مزبور از نقطه نظر اداری در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه بوده و برای خواستن اطلاعات و توضیحات لازمه در مسائلی که مربوط بوظایف او میباشد با وزارتخانهها و ادارات مربوطه حق مکاتبه خواهد داشت.

عموم وزارتخانهها و ادارات دولتی مکلف هستند تمام اطلاعاتی را که متخصص مالی و اقتصادی در امور مربوطه بوظایف خود مطالبه نماید بمشارالیه بدهند باستثنای اطلاعاتی که دولت مخفی بودن آنرا لازم بداند.

اداره تقنینی وزارت مالیه باید از کلیه راپورتهائی که در نتیجه تقنینیات خود بوزیر مالیه میدهد و مربوط بوظایف متخصص مالی میشود يك نسخه هم به متخصص مزبور بدهد و همچنین اداره مزبوره مکلف است در هر موقعی که متخصص مالی و اقتصادی در وزارت مالیه با ادارات تابعه آن تقنینی در امر خاصی را که مربوط بوظایف متخصص مزبور باشد تقاضا نماید آنرا انجام داده نتیجه را بمشارالیه وبوزیر مالیه اطلاع دهند.

متخصص مزبور حق خواهد داشت در حین مذاکرات راجع به پیشنهادات خود اعم از اینکه راجع بمسائل مالی باشد یا اقتصادی در هیئت وزراء حضور بهم رسانیده و از پیشنهادات مزبور دفاع کند.

ماده پنجم - متخصص مالی و اقتصادی دفتری خواهد داشت که جزء وزارت مالیه بوده ولی در عین حال منحصرأ در تحت اوامر خود او خواهد بود مستخدمین دفتر مزبور در حدود قانون استخدام کشوری انتخاب و عزل و نصب آنها به پیشنهاد متخصص و بامر وزیر مالیه بعمل خواهد آمد.

ماده ششم - خزانه دار کل ریاست اداره را که بعنوان خزانه داری کل در وزارت مالیه تشکیل شده است دارا خواهد بود.

ماده هفتم - خزانه دار کل مأمور وصول و تمرکز کلیه عایدات نقدی و جنسی دولت و جمع آوری عواید کلیه ماهورین صاحب جمع و کلیه وجوهی که بموجب قرار دادها و امتیازها باید بدولت برسد خواهد بود و همچنین مشارالیه نظارت خواهد داشت که اعتبارات مصوبه بمصرف محل های خود برسد.

ماده هشتم - هیچگونه مخارج مملکتی اعم از نقدی و یا جنسی از خزانه داری کل نادیده نخواهد شد مگر در حدود اعتباراتی که از طرف مجلس شورای ملی تصویب و بموجب درخواست های صادره از طرف اداره محاسبات کل وزارت مالیه حواله و بامضای وزیر مالیه رسیده باشد.

تصدیق و تطبیق در خواست های مذکوره با اعتبارات مصوبه از طرف مأمور یا مأمورینی که از طرف وزیر مالیه با موافقت رسمی محاسبات کل تعیین خواهد شد قبل از امضای وزیر مالیه بعمل خواهد آمد و همچنین هیچگونه اجازه پرداخت جدید در حدود اعتبارات مصوبه صادر نخواهد شد مگر اینکه پس از وضع مبلغ و مقدار حوالجاتیکه قبلاً صادر شده است معلوم شود که مبلغ و مقدار لازم برای پرداخت حوالجات مصوب جدید موجود است.

ماده نهم - هر مأمور یا مستخدم صاحب جمع که بر خلاف مدلول این قانون از تحویل عوائد وصولی خود بخزانه داری کل استنکاف کند بحکم محکمه اداری بانفصال دائم از خدمات دولتی محکوم و بر طبق ماده ۵۲ قانون استخدام کشوری از اخذ حقوق انتظار خدمت و تقاعد محروم خواهد شد و اگر عمل مأمور یا مستخدم

مقصد جرم عمومی شود تعقیب و بر طبق قانون مجازات عمومی محکوم میگردد و هرگاه مأمور یا مستخدم مزبور در تحویل عوائد وصولی خود بخزانه داری کل تقصیر کند بمجازات درجه ۵ یا ۶ مقرر در ماده ۳۸ قانون استخدام محکوم میشود.

ماده دهم - تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین وزارت مالیه که عهده دار وصول عواید مملکتی و یا متصدی پرداخت مخارج میباشد با رعایت مقررات قانون استخدام به پیشنهاد خزانه دار کل در حدود قوانین مملکتی انجام خواهد گرفت.

در صورتیکه در مورد تعیین و ترقی و تنزل و انتقال و عزل مستخدمین مزبور وزیر مالیه با کفیل وزارت مالیه یا پیشنهاد خزانه دار موافقت نماید و انتقال عضو را وزیر مالیه با کفیل آن وزارتخانه لازم بداند و خزانه دار موافقت نماید موضوع بهیئت وزراء مراجعه شده پس از اصفای توضیحات خزانه دار تصمیم منتهی قطعی خواهد بود.

ماده یازدهم - محاسبه جمع و خرج عوائد مملکتی اعم از نقدی یا جنسی در خزانه داری کل نگاهداری شده و تمرکز می یابد و همیشه برای ملاحظه مفتشین که مأمور رسیدگی آن میشوند حاضر خواهد بود.

ماده دوازدهم - خزانه داری کل مکلف است در موعد مقرر پیش بینی عواید سال بعد را باداره محاسبات بفرستد تا مأخذ اعتباریکه در حدود آن بودجه مملکتی تهیه خواهد شد معلوم باشد و همچنین خزانه دار مکلف است در موعد مقرر صورت محقق عوائد وصول شده و مخارج پرداختی مملکتی را باداره محاسبات ارسال و رئیس محاسبات کل مالیه مکلف خواهد بود لایحه تفریغ بودجه را تهیه و مفصلاً بمأمورین صاحب جمع بدهد.

ماده سیزدهم - مستخدمین مذکور در ماده اول این قانون مسئول وزیر مالیه بوده و باید در ایفاء وظایف خود کلیه تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت نمایند.

ماده چهاردهم - پس از ورود خزانه دار کل و اشتغال بخدمت مواد ۶ تا ۱۲ این قانون بموقع اجرا گذاشته شده و قانون خزانه داری کل مورخه پنجم حوت ۱۳۰۱ ملغی خواهد بود.

ماده پانزدهم - بر طبق قانون مورخه ۲۳ عترب ۱۳۰۱ شرایط دیگر کنترات مزبور را دولت تعیین خواهد نمود.

ماده شانزدهم - وزیر مالیه مأمور اجرای این قانون است این قانون که مشتمل بر شانزده ماده است در جلسه بیست و ششم بهمن ماه یکم هزار و سیصد و شش شمسی بمجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا